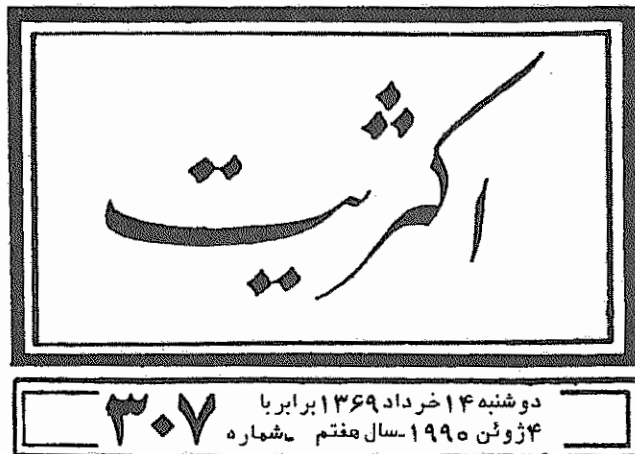


جمهوری اسلامی احتمال ملاقات رفسنجانی و صدام حسین را تأیید کرد

* سفر میانجیگری یاسر عرفات به تهران به دنبال صدور قطعنامه جانبدارانه و غیرمسئولانه اجلاس سران عرب منتفی شد.



در یکمین سالگرد مرگ خمینی

۱۴ خرداد سالروز مرگ خمینی است. یکسال از مرگ او می‌گذرد. جمهوری اسلامی که از چندی پیش برگذاری سالگرد مرگ خمینی را وسیعاً تدارک می‌دید در هفته گذشته و خاصه روزهای اخیر آن را بجا آورد. برپایی سمینارها و سخنرانی‌ها، انتشار آثار او و آثاری در باره‌اش، راه انداختن کاروان‌های مختلف پیاده و سوار از نقاط مختلف کشور بسوی گور خمینی، اطعام شهروندان و بخشی از اقدامات جمهوری اسلامی به این مناسبت بوده‌اند. هدف از این اقدامات یکی کشاندن عده هر چه بیشتری از مردم در مراسم سالگرد مرگ خمینی و بهره‌گیری‌های سیاسی بعدی از آن بود و دیگری زنده داشت خود خمینی. بی‌گمان امروزه روز نیاز مبرمی به قدرت نمایی‌های توده‌ای دارد. بدون پشتوانه توده‌ای که حاکمیت را تاکنون حمایت می‌کرده است و با وجود بحران سراسری جامعه، دستگاه پرتناقض این حاکمیت چندان دیر دوام نخواهد بود. رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته این

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بوده است. در هفته گذشته همچنین برخی گزارش‌ها حاکی از میانجی‌گری سازمان آزادیبخش فلسطین در مذاکرات صلح بین ایران و عراق انتشار یافت. یک مقام بلند پایه ساف اعلام کرد یاسر عرفات قصد دارد پس از پایان اجلاس سران عرب در بغداد، به تهران سفر کند و شرایط را برای ملاقات دو رئیس‌جمهور آماده سازد. طبق گزارش‌های قبلی،

کرد. گروهی گفت که دولت عراق برای جمهوری اسلامی دو نامه ارسال داشته است که به نامه نخست پاسخ داده شده و پاسخ نامه دوم در دست تهیه است. رئیس مجلس اسلامی بدون ذکر جزئیات نامه‌های رئیس‌جمهوری عراق به رفسنجانی، اظهار داشت که موضوع نامه‌ها مسائل مربوط به

مجدی گروهی رئیس مجلس شورای اسلامی در روز سه‌شنبه هشتم خرداد در یک مصاحبه مطبوعاتی تأیید کرد که در صورت "حسن نیت طرف مقابل"، روسای جمهور ایران و عراق برای بررسی چگونگی برقراری صلح بین دو کشور در یک کشور بیطرف ملاقات خواهند

سالگرد را از فرصت‌های استثنایی تاریخ، که برگذاری با شکوه آن دشمنان اسلام و انقلاب را مایوس می‌کند خواند. اما جمهوری اسلامی نیاز چندانی به زنده داشت ساختگی خمینی ندارد. به یکساله گذشته جمهوری اسلامی بدون خمینی که بنگریم شبی از او را در همه جا خواهیم یافت. پیش از همه در قامت جناحی از حاکمیت که خود را میراث‌دار معنوی خمینی می‌داند و قوت خویش را نیز در آن می‌جوید. ناگفته پیداست که حضور احمد خمینی در این جناح، بعنوان یگانه وارث "میراث معنوی" خمینی و مخسر نمایی مواضع او - عنوانی که اخیراً بطور رسمی و قانونی نیز به احمد خمینی داده شده است - موجب سنگینی و حضور بیشتر این شعب در حیات یکساله گذشته جمهوری اسلامی بوده است. در جنگی که امروز بین جناح‌های حکومتی جریان دارد، جناح مذکور کوشیده است حریف را در گوشه ریخت "انحراف از مواضع امام" گیر بیاندازد. گرچه، حریف هم از بستن نسبت‌های مشابه به طرف

اجلاس سران عرب در بغداد تشکیل شد

در صحنه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون قطعنامه پایانی کنفرانس سران کشورهای عرب

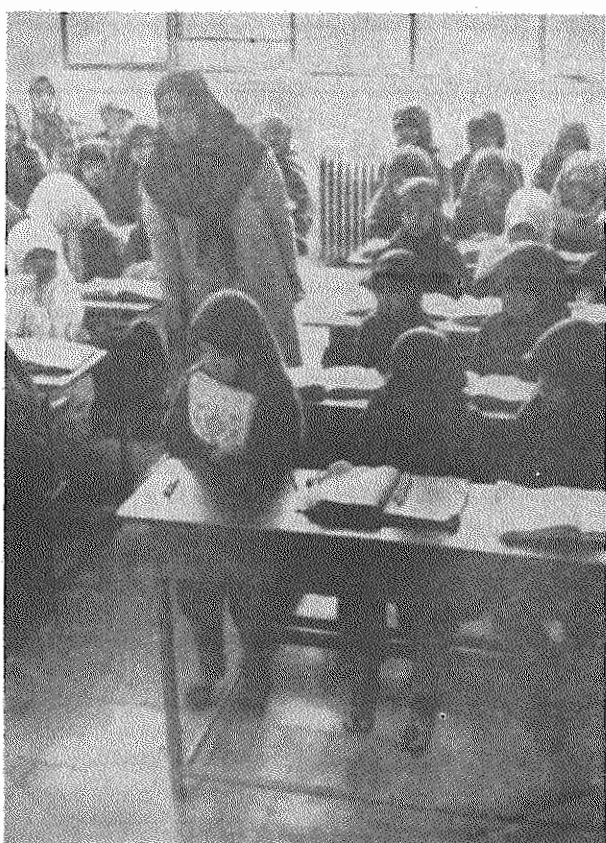
- * اظهار نظر کنفرانس سران عرب در بغداد در مورد تعلق اروند رود به عراق غیر مسئولانه و یک جانبه است. اروند رود هم متعلق به ایران و هم متعلق به عراق است. قرارداد ۱۹۷۵ مناسب‌ترین مبنای حل اختلافات ارضی دو کشور است.
- * مذاکرات مستقیم میان ایران و عراق گامی مثبت در راه صلح است. فدائیان خلق از آن استقبال می‌کنند و خواهان اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و میانجیگری موثر آقای دکوئیار هستند.
- * گروگان‌گیری بیش از یکصد هزار انسان بی‌گناه به عنوان اسیر جنگی برای اعمال فشار متقابل، سیاستی است ضد انسانی. تمام اسرای جنگی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

در صحنه ۲

دومین دیدار گارباچف و بوش

در صحنه ۱

به مناسبت فرارسیدن ۱۱ خرداد روز جهانی کودک



در سالگرد اول ژوئن، ۱۱ خرداد، روز جهانی کودک در آرشو خود عکسی را جستجو می‌کردیم که شادی و زیبایی و طراوت زندگی را در چهره کودک یا کودکانی از میهن بازتاب دهد. اما به برکت جمهوری اسلامی حتی جلوه‌هایی از شادی فقیرانه را نیز نیافتیم. یا تصاویر فقیر دهشتناک و بیماری و محرومیت و تحمیل و تخریب اذهان بود و یا تسلیح کودکان و مغز شویی استفاده تبلیغاتی از آنان. و باز عکس فوق را انتخاب کردیم از محیط تیره و کشنده مرگ‌و‌شادی و زیبایی که ملایان حاکم بخاطر سیاهی و تباهی اندیشه‌شان برای دخترکان خردسال و همه کودکان میهن فراهم آورده‌اند.

پاسخ رژیم به نامه سرگشاده ۹۰ نفره

- * محتشمی فاش کرد که خمینی دستور عدم صدور اجازه فعالیت برای نهضت آزادی راداده بود.
- * اعمال فشار بر نویسندگان این نامه افشاگرانه را باید وسیعاً محکوم کرد و جلو گرفت.

جناح خود قرار داد که در آن خمینی به صراحت، دستور عدم صدور اجازه فعالیت برای نهضت آزادی راداده است. تاریخ نامه، بمن ماه ۶۰ است. به گفته محتشمی، در آن زمان نهضت آزادی اعلام کرده بود که قصد شرکت در سومین دوره انتخابات مجلس اسلامی را دارد و محتشمی که وزیر کشور وقت بود، در این مورد از خمینی کسب تکلیف کرد. محتشمی گفته است خمینی نامه مزبور را علاوه بر وزارت کشور، برای روسای هه توه و وزارت اطلاعات نیز فرستاد.

خمینی در نامه خود که متن دستخطان در کیهان ۲۹ اردیبهشت چاپ شده است، پس از بر شمردن "گناهان" نهضت آزادی، از جمله ملاقات با مقامات آمریکایی، و "تفسیر خودسرانه" آیات قرآن، تأکید بقیه در صحنه ۳

نکاتی پیرامون مضمون نامه ۹۰ نفره

در صحنه ۳

نامه سرگشاده‌ای که به امضای مجددی بازرگان، آیت‌الله زنجانی، یدالله سبحانی و ۸۷ تن دیگر از شخصیت‌های سیاسی وابسته و یا نزدیک به نهضت آزادی به عنوان رفسنجانی انتشار یافت، با واکنش گسترده‌ای روبرو شد. خود رفسنجانی روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت طی نطقی برای معاونین سیاسی استانداری‌ها خطاب به نهضت آزادی گفت: "روح حرکت‌های سیاسی کشور همان خط‌ترسیم شده از سوی امام خمینی است. و جایی برای مرض‌انداز و جریان‌های منحرف و وابسته به استکبار و ورشکستگان سیاسی وجود ندارد." رفسنجانی در همین حال افزود: "البته آنها (یعنی) جریان‌های منحرف و وابسته به استکبار و ورشکستگان سیاسی" می‌توانند با اصلاح خود، در خدمت مردم باشند و هیچکس کمک و یاری افرادی را که واقعا قصد انجام خدمت دارند رد نخواهد کرد. (کیهان ۲۹ اردیبهشت)

جناح تندروی رژیم، به حملات شدیدتری علیه نهضت آزادی دست زد. مهمترین اقدام در این مورد از سوی محتشمی صورت گرفت. وی نامه منتشر نشده‌ای از خمینی را برای چاپ در اختیار مطبوعات

* تب فوتبال بازرسان جهان را فرا گرفت

در صحنه ۸

* مساله اصلی در سازمان ما در جنبش چپ دموکراتیک

در صحنه ۵

در این شماره

* آشنایی با ناتور عروسی

در صحنه ۷

* گرمی داشت هزاره فردوسی

در صحنه ۷

در مجلس فاش شد:

حکومت اسلامی خوانین و اشرار را علیه دهقانان و روستائیان تسلیح کرده است

در جلسه هفتی روز سه‌شنبه اول خرداد ماه مجلس ۱۳۹ نماینده حکومتی با ترائت نامه‌ای فاش کردند که مسئولین سیاسی و نظامی رژیم اقدام به تسلیح اشرار و خوانین و اربابان علیه "رهايو روستائیان" نموده‌اند. در این نامه که خطاب به رئیس مجلس و هیات رئیسه آن نوشته شده آمده است:

"بدین وسیله ما جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به حسب اهمیت و فوریت موضوع رسیدگی به وضع خوانین مسلح شده توسط نیروهای نظامی و انتظامی به ویژه در مناطق مرزی به استحضار می‌رسانیم که بر اساس تحلیل‌های فلفط و نسنجیده بعضی مسئولین سیاسی و نظامی مناطق مرزی کشور جمهوری اسلامی، اشرار و خوانین و اربابان معلوم الحال آنان که در سابق وابستگی به رژیم ستم‌شاهی داشته و بنابه فرمایش حضرت امام رضوان اله تعالی علیه پیش از دارایی خود به نظام و مردم مسلمان مقروضند و نه تنها هیچ به این انقلاب خدمت نکرده‌اند بلکه خیانت هم کرده‌اند متاسفانه توسط نیروهای نظامی و انتظامی تحت عنوان تسلیح بقیه در صحنه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون قطعنامه پایانی کنفرانس سران کشورهای عرب

*** اظهار نظر کنفرانس سران عرب در بغداد در مورد تعلق اروندرود به عراق غیرمسئولانه و یک جانبه است، اروندرود هم متعلق به ایران و هم متعلق به عراق است، قرارداد ۱۹۷۵ مناسب ترین مبتنی بر حل اختلافات ارضی دو کشور است .**

*** مذاکرات مستقیم میان ایران و عراق گامی مثبت در راه صلح است، فدائیان خلق از آن استقبال می کنند و خواهان اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و میانجیگری موثر آقای دکوئیر هستند .**

*** گروهان گیری پیش از یکصد هزار انسان بی گناه به عنوان اسیر جنگی برای اعمال فشار متقابل، سیاستی است ضد انسانی، تمام اسرای جنگی باید فوراً بدون قید و شرط آزاد شوند .**

طی روزهای اخیر دو واقعه مهم در زمینه اختلافات میان ایران و عراق رخ داده است .

صدام حسین رئیس جمهور عراق با ارسال نامه هایی برای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ضمن طرح پیشنهادهایی که مضمون آن انتشار نیافته خواهان مذاکره مستقیم و دیدار روسای دو رژیم جهت حل مسائل مورد اختلاف شده است ، به گفته آقای کروی، رئیس مجلس، طرف ایران ضمن برخوردی مثبت با نامه ها و به نامه ها پاسخ داده و امکان دیدار فوق را تحت بررسی قرار داده است .

کنفرانس سران کشورهای عرب که در بغداد تشکیل شد با صدور قطعنامه ای ادعای عراق در مورد مالکیت بر اروندرود را مورد تأیید و پشتیبانی قرار داده است . از سوی دیگر، نه در ابتکارات اخیر ایران و عراق و نه در کنفرانس بغداد و نه سایر اقدامات دیپلماتیک طی دوره اخیر هیچ خبری در باره وضعیت بیش از یکصد هزار اسیر عراقی و ایرانی در ایران و عراق انتشار نیافته و سر و نوشت تلخ گروگانهای جنگی دو کشور همچنان مبهم در دناک باقی مانده است .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران رویدادهای فوق را نوق العاده پراممیت تلقی کرده نظر و موضع خود را بدینوسیله به آگاهی همگان می رساند :

۱ - بنظر ما زمانی که تلاشهای و ابتکارات تازه ای برای آغاز مجدد مذاکرات میان دو کشور در شرف آغاز است، قطع نامه کنفرانس سران عرب که کاملاً یک جانبه و غیرمسئولانه و علیه منافع ایران صادر شده نه تنها هیچ کمکی به حل و فصل مناقشات میان دو کشور نمی کند بلکه عملاً تلاشی است علیه روندی مثبت در راستای صلح عادلانه میان دو کشور . انتظار این بود که کنفرانس اعراب برای حل و فصل اختلافات ارزی دو کشور پیشنهادهای گوناگون را در ۱۹۷۵ الجزایر مینا قرار گیرد .

ایرانیان از دیرباز تا امروز همواره خواهان تثبیت خط مرزی دو کشور بر خط القصر اوند بوده و خواهان به رسمیت شناختن حق آبراه داری هر دو کشور بوده اند و این هر دو در قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره به روشنی تصریح و توسط خود صدام حسین امضا شده است . اگر طرف عراق و پشتیبانان عرب او جز این ادعایی دارند باز هم خود

قرارداد ۱۹۷۵ شیوه حل را مشخص کرده است راه آن مذاکره مستقیم میان دو کشور است . کنفرانس سران عرب فاقد هر گونه صلاحیت برای اظهار نظر بر مالکیت اروندرود است ..

۲ - اینکه طرف ایران بعد از مدتها سرسختی اکنون انعطاف نشان داده و مذاکرات مستقیم با عراق را امری ممکن تلقی می کند، خود گامی مثبت بسود صلح است و طبعاً باید از آن استقبال کرد . اما تاکنون هیچ گونه اطلاعاتی در باره علت تغییر تصمیم سران رژیم ایران انتشار نیافته و به نگرانی های بسیار پیرامون پیام های دیپلماسی مخفی رژیم دامن زده است . فقط از قرائن پیداست این امر با نامه هایی نیز ارتباطی باید که از جانب صدام حسین برای همتای خود در ایران ارسال شده است . دیپلماسی مخفی رژیم اگر با حاتم بخشی از منافع ملی ما باهدف تحکیم خود همراه نباشد، که هست ، دست کم دوران هر گونه نظارت و کنترل و لذا همیقا مستبدانه و خطرناک است مسئولیت هواقب آن نیز طبعاً بر عهده مردم ایران نیست ، ما خواهان توضیح صریح و کامل روند مذاکرات به مردم هستیم .

در مورد میانجیگری از میان تمام ابتکاراتی که تاکنون از جانب دیگران مطرح شده است از نظر ما دبیرکل سازمان ملل متحد، آقای خاویر پرز د کوئیرا، مناسبترین شخصیت و مرجع بین المللی و پیشنهادهای ایشان در زمینه اجرای قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت مساعدترین ابتکارات برای برقراری صلح بین دو کشور است در همین حال نباید از ابتکارات دیگران از جمله پیشنهادهای آقای شوارد ناندز یا آقای عرفات نیز دوری گرفت . ضمن استقبال مجدد از واکنش مثبت ایران ما خواهان آنیم که مذاکرات مستقیم هر چه زودتر آغاز گردد .

۳ - اکنون ۲ سال پس از قطع جنگ هنوز بیش از یکصد هزار اسیر ایرانی و عراقی در عراق و ایران اسیرند، گروهان گیری یکصد هزار انسان بیگناه که قربانی و وسیله پیشبرد سیاست تجاوز گرانه، جنگ افروزانه و ضد انسانی قرار داده شده اند، جنایت و دافع تنگی بزرگ بر چهره تمدن معاصر است . محافل بین المللی بخصوص دولتهای غرب که برای آزادی چند گروهان با چنین حساسیتی برخورد می کنند، گروهان گیری یکصد هزار انسان بیگناه را که در اسارت در رژیم ایران و عراقند به فرموشی سپرده اند این همیقا تاثر انگیز و تاسف بار است . میلیونهای ایرانی و عراقی که از اسارت هزیزان خود رنج می برند از سران کشورها انتظار دارند که دولت های ایران و عراق را برای آزادی بدون قید و شرط اسرا، تحت فشار بگذارند . مردم می خواهند سر نوشت اسرا و وثیقه و تحت الشعاع کشاکشهای دو رژیم و اختلافات ارضی و سایر دعوای قرار نگیرد ، مردم خواهان آزادی فوری اسرا هستند .

فدائیان خلق ایران خواهان آنند که با مساعد شدن فضای بین المللی در راستای رفع جنگ سرد و حل و فصل مسائل منطقه ای روند برقراری صلح میان ایران و عراق شتاب گیرد و برگشت تأخیر شود . مردم دو کشور رنج دیده صلحی پایدار و عادلانه را روز دارند .

فدائیان خلق امید دارند استقرار و تحکیم صلح میان دو کشور راه را برای رهایی خلقهای ایران و عراق از استبداد خونینی که بر آنها حاکم است هموار تر سازد .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت

۵شنبه ۱۵ خرداد ۱۳۶۹

در یکمین سالگرد مرگ خمینی

بیتیه از صنم اهل

و افراد آن چون موجب کمراهی بسیاری از کسانی که بی اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می گردند باید با آنها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند .

همین نمونه ها کافی اند . جمهوری اسلامی در کل آن و جناح بندی های مختلف در درون آن در این یکساله پس از مرگ خمینی با شبح روح اله زیسته اند . او ، هر جا که اقتضای جنگ بین خودشان بوده است یکدیگر را نشان رفته اند و هر جا که الزام مواجهه با مردم و جنبش آنان و نیروهای اپوزیسیون بوده است یکپارچه به آنان شلیک کرده اند .

با این احوال، نبود خمینی در یکساله گذشته را تنها شبح او نمی توانست پرنکنند . پایان زندگی خمینی گرچه با بسیاری گمان ها که در باره آن زده می شده همراه و دنبال نشد اما آغاز پایان بعضی از روندها و آغاز بعضی روندهای دیگر در جمهوری اسلامی پس از او بوده است . توفیق جناح های حاکمیت در معرفی شتابناک خا منه های بعنوان "رهبر" در مدت کمی پس از مرگ خمینی، با توفیق های بعدی برای "رهبر" جدید همراه نبود . رهبر جدید نظام بسیار ناچیز توانسته است نقش رهبر را داشته باشد . او نه تنها نتوانسته است تعادلی در میان جناح های حاکمیت ایجاد کند بلکه خود به وجه آشکاری هدم تعادل نشان داده است .

با مرگ خمینی ولایت فقیه نیز، بعنوان رهبری توابیان سیاسی و مذهبی، تجسم ممکنه و واقعی خود را از دست داد و "آیت اله" خا منه ای که کلاه رهبری مذهبی اش نزد چندین و چند آیت العظمی و بسیاری آیت اله ها و حتی نزد صاحبان مدارج پائین تر در سلسله مدارج روحانیت پشیمی ندارد در هرصه سیاسی نیز بعضی آنکه حتی شبمی از خمینی از کار درآید مترسکی از او از کار درآمد .

مقابل فروگذار نکرده است . در آخرین نمونه از این جنگ جناحی، شاهد بودیم که ۱۴۳ نماینده "خط امامی" مجلس، روزنامه رسالت و گردانندگان آن را به "انصراف از مواضع امام و مسخ این مواضع" متهم کردند و روزنامه رسالت هم متقابلاً آنان را به همین عنوان منتسب کرد . با این وجود اتکای همین نیروی "خط امامی" بر مرده ریگ خمینی بود که رفسنجانی را در کورس عجولانه روزهای نخست ریاست جمهوری اش بسمت قرب مهار زد و حتی تاگام گذاشت . رفسنجانی که می خواست نقاب یک اصلاحگر، تجددخواه و میانه رو را بر چهره داشته باشد "تودهنی" خورد .

اما شبح خمینی همچنن در قامت تمام جمهوری اسلامی حضور داشته است . اگر در موارد فوق الذکر، میراث خمینی به تساوی بین طرفین تقسیم نشده است در سایر موارد و وضع به گونه دیگری بوده است . توسل به این یا آن گفته خمینی، شگرد تجمعی دولت مردان جمهوری اسلامی در رفتار سیاسی شان بوده است و فرامین خمینی همچنان اعتبار داشته اند . هنوز نیز حکم اعدام سلمان رشدی باید به اجرا درآید، رفسنجانی در حمله به ۹۰ تن از شخصیت های اپوزیسیون که اخیراً به او نامه ای نوشته اند و در آن گوشه ای از جنایات دستگاه را نهاده اند، چنین می گوید "روح حرکت های سیاسی کشور همان خط ترسیم شده از سوی امام خمینی است و جایی بربری هرض اندام جریان های ف و وابسته به استکبار و ورشستگان سیاسی وجود ندارد ."

محتشمی، از سردمداران مخالفت با "خط رفسنجانی" ، درست در همین رابطه و بدون این که تمام امضاء کنندگان نامه مذکور هم به نهضت آزادی تعلق قطعی داشته باشند، نامه منتشر نشده ای از خمینی را انتشار می دهد که در آن خمینی دستور داده است: " . نهضت به اصطلاح آزادی

پس از یک دوره کوتاه زمانی افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی که بدنبال نشست اضطراری اوپک در اواخر ماه گذشته صورت گرفت، بار دیگر بهای آن در هفته پیش پس همت کاهش یافت .

در اجلاس فوق العاده وزرای نفت اوپک در اواخر ماه گذشته بخاطر مقابله با کاهش بهای نفت در بازارهای بین المللی تصمیم گرفته شده بود که این کنسر سیوم به میزان یک میلیون و ۴۴۵ هزار بشکه در روز از تولید خود بکاهد .

بر پایه پیش بینی های وزرای شرکت کننده، احتمال می رفت که بهای نفت به سطح ۱۸ دلار در هر بشکه که بهای پایه نفت اوپک می باشد، برسد .

هلیرغم این پیش بینی، بار دیگر بهای نفت با کاهش مستمر روبرو گردید بطوریکه گفته می شود این کاهش به پایین ترین میزان خود در طول یازده ماه گذشته رسیده است .

کاهش مجدد بهای نفت خام

پس از یک دوره کوتاه زمانی افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی که بدنبال نشست اضطراری اوپک در اواخر ماه گذشته صورت گرفت، بار دیگر بهای آن در هفته پیش پس همت کاهش یافت .

در اجلاس فوق العاده وزرای نفت اوپک در اواخر ماه گذشته بخاطر مقابله با کاهش بهای نفت در بازارهای بین المللی تصمیم گرفته شده بود که این کنسر سیوم به میزان یک میلیون و ۴۴۵ هزار بشکه در روز از تولید خود بکاهد .

بر پایه پیش بینی های وزرای شرکت کننده، احتمال می رفت که بهای نفت به سطح ۱۸ دلار در هر بشکه که بهای پایه نفت اوپک می باشد، برسد .

هلیرغم این پیش بینی، بار دیگر بهای نفت با کاهش مستمر روبرو گردید بطوریکه گفته می شود این کاهش به پایین ترین میزان خود در طول یازده ماه گذشته رسیده است .

بر پایه گزارشات اقتصادی بهای نفت خام نوع برنت دریای شمال به ۱۶/۶۰ تا ۱۶/۷۰ دلار در هر بشکه رسیده است که در مقایسه با ارزش این نوع نفت در اوایل سال میلادی جاری کاهش حدود ۳۰ درصد داشته است . در همین زمان نفت خام نوع فاتح دوبی که نوع نفت تولیدی در حوزه خلیج فارس می باشد نیز به پایین ترین میزان خود در سال جاری رسیده است . در حال حاضر قیمت هر بشکه نفت خام دوبی به میزان ۱۳/۹۰ تا ۱۴/۰۵ دلار مورد معامله قرار می گیرد .

مطابق اظهار نظر کارشناسان نفتی تصمیم کاهش تولید نفت توسط اوپک قادر نبوده است هدم ثبات موجود در بازارهای بین المللی در داد و ستد این ماده را از میان بردارد . عوامل بحران قیمت همچنان به جای خود باقی است و امکان کاهش مستمر آن در ماه های آتی وجود دارد .

کلاف سردرگم تدوین و تصویب قانون کار

بیش از یکسال از تصویب آخرین لایحه قانون کار رژیم می گذشت و شورای نگهبان با تصویب و اجرای آن مخالف بود .

سیر جنجالی تدوین و تصویب قانون کار عمری به درازای همر رژیم دارد و سروصدای آن در هر دور صدارت وزیری تازه و با تدوین "قانون کار" های آخوندی و شرع پسندانه و یا در مقابله با گسترش اعتراضات کارگری و جهت فریب بالا می گیرد .

و اما آنچه که تاکنون در زمینه روابط کارگر و کارفرما حکمفرما بوده آن بخش از ضوابطارتجاعی قانون کار رژیم شاهنشاهی بوده که مطابق آن تمام حق و حقوق کارگران و زحمتکشان سلب گردیده و سرمایه داران را بر مقدرات آنان حاکم می کند و این همه در حالی است که از یکطرف رژیم لغو اعتبار قانونی آن را بارها اعلام داشته و در بوق و کرناهی دفاع از منافع مستضعفین جامعه دمیده است .

بیش از یکسال از تصویب آخرین لایحه قانون کار رژیم می گذشت و شورای نگهبان با تصویب و اجرای آن مخالف بود .

سیر جنجالی تدوین و تصویب قانون کار عمری به درازای همر رژیم دارد و سروصدای آن در هر دور صدارت وزیری تازه و با تدوین "قانون کار" های آخوندی و شرع پسندانه و یا در مقابله با گسترش اعتراضات کارگری و جهت فریب بالا می گیرد .

و اما آنچه که تاکنون در زمینه روابط کارگر و کارفرما حکمفرما بوده آن بخش از ضوابطارتجاعی قانون کار رژیم شاهنشاهی بوده که مطابق آن تمام حق و حقوق کارگران و زحمتکشان سلب گردیده و سرمایه داران را بر مقدرات آنان حاکم می کند و این همه در حالی است که از یکطرف رژیم لغو اعتبار قانونی آن را بارها اعلام داشته و در بوق و کرناهی دفاع از منافع مستضعفین جامعه دمیده است .

حسین کمالی وزیر کار و امور اجتماعی در جریان سفر خود به گیلان در یک مصاحبه اعلام داشت که ۶۲ ماده از "قانون کار" تاکنون به تصویب رسیده است . وی در این مصاحبه اظهار داشت: به موجب بررسی های کارشناسی دقیق که بر روی قانون کار انجام شده تاکنون ۶۲ ماده از مواد اساسی و ریشه ای این قانون به تصویب مجمع مصلحت رسیده است .

کمالی با اشاره به اینکه "قانون جدید کار" ۱۹۸۸ ماده را در بر می گیرد اظهار امیدواری نموده که در آینده نزدیک این قانون به تصویب نهائی برسد .

لازم به یادآوری است که در مهر ماه سال گذشته لایحه قانون کار پس از یک دوره اختلاف و کشمکش بین شورای نگهبان و مجلس و سپس میانجیگری مجمع تشخیص مصلحت به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب ارائه شد در سال ۶۷ بود . در آن زمان مجمع تشخیص مصلحت بنا بر نظر مشترک شورای نگهبان و کمیسیون کار و امور اجتماعی و استخدای مجلس حک و اصلاح گردیده بود مورد تصویب قرار داد . اما اندکی بعد از تریبون مجلس در نطقهای پیش از دستور در دهم و نهم همان ماه مشخص گردید که فقه های شورای نگهبان با قانون نوشته شده موافق نبوده و آنرا مجدداً رد کرده اند . در آن زمان قاضی زاده ناپلنده فرجهان در جلسه هئتی مجلس در ۱۷ آبان اعلام داشت که شورای نگهبان حدود ۳۳ اشکال قانونی و ۳۲ اشکال شرعی بر لایحه قانون کار موصوبه مجلس وارد کرده و مصوبه مجلس جهت حک و اصلاح مطابق نظر فقه های شورای نگهبان بار دیگر به مجمع تشخیص مصلحت هودت داده شده است .

اولین باری که لایحه قانون کار به مجمع تشخیص مصلحت ارائه شد در سال ۶۷ بود . در آن زمان مجمع تشخیص مصلحت بنا بر نظر مشترک شورای نگهبان و کمیسیون کار و امور اجتماعی و استخدای مجلس حک و اصلاح گردیده بود مورد تصویب قرار داد . اما اندکی بعد از تریبون مجلس در نطقهای پیش از دستور در دهم و نهم همان ماه مشخص گردید که فقه های شورای نگهبان با قانون نوشته شده موافق نبوده و آنرا مجدداً رد کرده اند . در آن زمان قاضی زاده ناپلنده فرجهان در جلسه هئتی مجلس در ۱۷ آبان اعلام داشت که شورای نگهبان حدود ۳۳ اشکال قانونی و ۳۲ اشکال شرعی بر لایحه قانون کار موصوبه مجلس وارد کرده و مصوبه مجلس جهت حک و اصلاح مطابق نظر فقه های شورای نگهبان بار دیگر به مجمع تشخیص مصلحت هودت داده شده است .

تشکل حق کارگران است هر گونه محدودیت در راه تشکیل اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری باید از میان برداشته شود

پاسخ رژیم به نامه سرگشاده ۹۰ نفره

بقیه از صفحه اول

می‌کند که نهضت به اصطلاح آزادی برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند... نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می‌گردند باید با آنها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند.

بزرگان در ملاقات با گالیندوپل فرستاده کیسیون حقوق بشر سازمان ملل گفته بود که تقاضای نهضت آزادی برای دریافت اجازه فعالیت بی پاسخ مانده است و مقامات وزارت کشور پس از مراجعات مکرر مسئولان نهضت آزادی مدعی شده‌اند که پرونده مربوطه گم شده است. اینک بزرگان و یارانش پاسخ صریح خود را از محتشمی دریافت کرده‌اند. شاید اگر محتشمی نامه خمینی را زودتر

منتشر کرده بود، آقای بزرگان و نهضت آزادی ناچار نمی‌شوند زحمت مراجعات مکرر به وزارت کشور و دخیل بستن به امامزاده‌ای که معجزه ندارد را متحمل شوند.

خبرها و گزارش‌ها حکایت از تشدید فشار بر امضاکنندگان نامه بویژه افسران امضاکننده آن دارد. شایعاتی در زمینه تهدید جانی آنان در کشور پخش شده است. نشریات رژیم و سخنرانی‌های سردمداران آن زمینه‌سازی برای اعمال فشار بر امضاکنندگان نامه سرگشاده مزبور را هدف قرار داده‌اند. انتشار نامه ۹۰ نفره و مواضع افشاگرانه، اتخاذ شده در آن می‌بایست مورد پشتیبانی قرار گیرد. با هرگونه اعمال فشار بر نویسندگان آن باید قاطعانه مقابله کرد. هرگونه اقدامی در این زمینه توسط رژیم را باید بعنوان سند سرکوبگری و استبداد حکومت در نظر مردم کشور و جهانیان افشا کرد.

نکاتی پیرامون مضمون نامه ۹۰ نفره

نامه ۹۰ نفری نهضت آزادی به رفسنجانی در مقایسه با موضعگیری‌های این جریان سیاسی در سالهای گذشته، از صراحت بیشتری برخوردار است. در این نامه از «ده سال حکومت مطلقه انحصار، اختناق و انحراف سخن می‌رود و خاطر نشان می‌شود: «بندهای اختناق و انحصار سال به سال تنگ‌تر و تیزتر شده است. نظام جمهوری با گام‌های بلند خصوصاً بعد از بازنگری و اختیارات مافوق قانونی که رهبری و حاکمیت به خود داده‌اند سیر تقمقاری و ضدانقلاب و به استبداد مطلقه و به سلطه و به سلطنت موروثی روحانیت نموده است» اما هرکس در نامه نهضت آزادی به دنبال کوچکترین اشاره‌ای، حتی تلویحی، به اعدام دهها هزار انسان و زندانی و شکنجه شدن دهها هزار تن دیگر تنها به جرم مخالفت با حکومت قرون وسطایی آموخته‌ها بگردد، ناکام می‌ماند. خواستهای امضاکنندگان نامه نیز از حادترین قانون اساسی رژیم و «آزاد گذاردن و تأمین فعالیت احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مطبوعات که فعالیت قانونی و ملنی دارند» فراتر نمی‌رود. حضرات، به خود جرات ندادند حداقل خواهان تأمین شرایط برای بازگشت آزادانه

میلیونها ایرانی مهاجر به کشورشان گردند تا مبادا بر حسب همدستی با «گروهکهای خارج از کشور» علیه آنها به کار رود.

اما این همه احتیاط نهضت آزادی بیموده است، زیرا آقای بزرگان و همکرائش هر کاری کنند، از نظر رژیم جمهوری اسلامی جاسوس و ضدانقلابی و خائن‌اند. محتشمی و میرزا بنویس‌هایش در کیهان، این بار هم نهضت آزادی را متهم به هماهنگی فعالیت‌هایش با اپوزیسیون خارج از کشور کرده‌اند.

انتشار مقاله «مذاکره مستقیم» معاون رفسنجانی و حملات حزب‌اللهی‌های تندرو، شرایطی را ایجاد کرد که نهضت آزادی، آن را برای انجام یک حرکت سیاسی جدید، مناسب دیده است. نامه نهضت آزادی اشاره‌های تلویحی به موضعگیری مهاجرانی معاون رفسنجانی در روزنامه «حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پس از آنهمه طعنه و تندی‌ها به ابرقدرت‌های غرب و تبری جستن از سازمان‌های سیاسی و اقتصادی جهان سرمایه‌داری، هم‌دست تمنا بصورت وام و مشارکت و به بهای از دست دادن استقلال و حیثیت کشور بسوی صنایع و سرمایه‌ها و سردمداران فاسد آنها دراز کرده

است و هم برای اجرای آتش‌بس و خروج از حالت نه جنگ و نه صلح امید و آبروی خود را به زیر سایه رانت و لطف شورای امنیت و قدرتهای بزرگ برده است!

اگر رفسنجانی، مخاطب نامه ۹۰ نفره، در پاسخ به این نامه سکوت می‌کرد، جایی برای این فرض باقی می‌ماند که احتمالی، هر چند اندک، برای تحقق یافتن برخی خواستهای نهضت آزادی، مانند اجازه فعالیت قانونی، وجود دارد. اما در شرایطی آزادی، که محتشمی با انتشار نامه خمینی، «خط امام» را در قبال نهضت آزادی روشن کرده است، در شرایطی که به گفته رفسنجانی، مسیر سیاست‌های جمهوری اسلامی را شیخ خمینی تعیین می‌کند. در شرایطی که پاسداران حکومت، خیابانها را به صحنه حملات وحشیانه خود به زنان تبدیل کرده‌اند و رفسنجانی این تعرض‌ها را «حرکت خوب» می‌نامد، امید بزرگان و امضاکنندگان نامه به «جوانمردی» سران حکومت و پیروی آنها از نمونه‌های اروپایی شرفی و نپال و شیلی، نافرمانی خواهد ماند. اگر رفسنجانی از بزرگان بپرسد که چگونه می‌توان با مجال دادن به نهضت آزادی، دستور صریح خمینی را نقض کرد، بزرگان پاسخی ندارند.

در مجلس فاش شد:

حکومت اسلامی خوانین و اشرار را علیه دهقانان و روستائیان تسلیح کرده است

بقیه از صفحه اول

عشایر و سر عشیره‌ها مسلح گردیده‌اند، ولی قرآن و شواهد بشمار و اسناد موجود پیوستی گواهی می‌دهد که اینها با اسلحه جمهوری اسلامی به جان و مال و نوامیس رها و روستائیان و عشایر مظلوم اعم از فارس، ترک و کرد و لر و بلوچ دست تعدی و تجاوز گشوده و هزار چندگامی عناصر حزب‌اللهی و خادم را آماج ضرب و شتم با اسلحه‌های سرد و گرم قرار داده‌اند.

امضاکنندگان نامه در ادامه خواهان محدود ساختن قدرت و تحت انضباط قرار دادن عناصر تسلیح شده گردیده‌اند.

مسائل طرح شده در نامه ۱۳۹ نماینده مجلس در واقع چیز تازه‌ای را فاش نساخته، بلکه تأیید مجدد وجود توطئه‌های حکومت علیه مردم زجر کشیده مناطق مختلف کشور است. عوامل رژیم در این مناطق با تسلیح این نیروها

و سپس با دامن زدن به اختلافات عشیرتی و قومی و با زمینه چینی توطئه‌های گوناگون مردم این مناطق را به جنگ برادرکشی علیه یکدیگر کشانده و تخم کینه و نفاق در میان آنان می‌افشانند. ما این اهداف را با گزارشات هستند از مناطق ملی و محروم کشور در نشریات خود بازگو کرده بودیم. اما کدام دلایل باعث گردیده که این عده از نمایندگان حکومتی دست به افشاگری علیه برخی از «مسئولین سیاسی و نظامی» رژیم زده‌اند. آنچه که تاکنون آشکار شده این است که نیروهای فوق توسط جناحهای حکومتی بر اساس اختلافات موجود میانشان که بازتاب آن وجود باندهای گوناگون در ارگانهای مختلف رژیم می‌باشد مطابق منافع این و یا آن جناح تسلیح شده‌اند. ما مدت‌ها پیش در یک زمینه که مربوط به تسلیح تامینی‌ها بود، بر اساس یک گزارش مستند از بلوچستان نوشتیم:

«تامینی‌ها همچنین بر اساس

اختلافات موجود در حاکمیت و وجود باندهای مختلف در همه نهادهای حکومتی، از جانب این باندها و جناح‌های متنوع درون حکومتی نیز مورد تهدید قرار می‌گیرند. آن‌ها دریافته‌اند که به آسانی زندگی‌شان می‌تواند دستخوش حوادث غیرقابل پیش‌بینی که در نتیجه کشمکش‌های درون حکومتی پدیدار می‌شود بگردد. هم‌اکنون در منطقه عوامل جناح‌های مختلف حکومتی در میان نیروهای امنیتی و انتظامی هر کدام سعی دارند گوی سبقت را از دیگری برابند و به نحوی از این نیروهای تامین یافته در پیشبرد اهداف خود استفاده نمایند».

یکی از دلایل اصلی افشاگری اخیر ۱۳۹ نماینده را هم باید دقیقاً از همین زاویه در نظر گرفت. این واقعیت که جناحی احساس می‌کند رقیب گوی سبقت را در این میدان از وی ربوده است و منافعیش مورد تهدید قرار گرفته دلیل پرده درانی این نمایندگان است.

در گفتگو با خبرنگار پارلمانی کیهان حجت‌الاسلام محتشمی دلایل استفسار از حضرت امام در مورد گروهک نهضت آزادی را تشریح کرد

بود بر آن شدیم که از حضرت امام استفسار کنیم. با توجه به موضع لیبرال گرایانه گروهک نهضت آزادی، مخالفت با اصول و مبانی انقلاب اسلامی و شیفتگی اعضای گروهک نهضت نسبت به آمریکا و غرب و حرکت‌های گنجه‌گروهک نهضت آزادی در هنگام دولت می‌ساخته، حضرت امام نظر صریح خودشان را در پی نامه بنده ابراز داشتند که بررسی و تحقیق در رابطه با سطر سطر نامه حضرت امام یکی از ضروریات کنونی است.

امام در این نامه می‌فرمایند: پرونده این نهضت و همینطور عملکرد آن در دولت موقت در اول انقلاب شهادت می‌دهد که نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار وابستگی کشور ایران به آمریکا است و در این باره از هیچ کوشی فروگذار نکرده».

در بخش دیگر حضرت امام می‌فرمایند در هر صورت پسر حسب این پرونده های قطور و نیز ملاقات های مکرر اعضای نهضت که در منازل خودشان

یا در سفارت آمریکا و بر حسب آنچه که من تنها مشاهده کرده‌ام از انحرافات آنها، اگر خدای تعالی عنایت فرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند ملت های مظلوم و به ویژه ملت عزیز ما در زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پامی‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستم کاران می‌خورد که قرن ها سر بلند نمی‌کرد.

فرمودند و امام همچنین فرمودند: «نهضت به اصطلاح آزادی برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی صلاحیت ندارند.»

اجلاس سران عرب در بغداد تشکیل شد

اسرائیل در این بیانیه بعنوان خطری علیه امنیت اعراب، و نقض حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته است. بیانیه اسرائیل را به خاطر اجرای سیاست تجاوز، ترور و توسعه طلبی محکوم کرده و ایالات متحده را مسئول اتخاذ این سیاست از سوی اسرائیل دانسته است.

در روزهای ۲۵ و ۲۶ ماه مه، شورای امنیت سازمان ملل اجلاس ویژه‌ای در ژنو تشکیل داد. یاسر عرفات رهبر ساف در این اجلاس شرکت کرد و خواهان اعزام یک نیروی بین‌المللی به مناطق اشغالی و اعمال مجازات علیه اسرائیل شد. وی گفت اعزام چنین نیروی برای دفاع از خلق فلسطین و به عنوان «پاسخی به جنایاتی که در مناطق اشغالی علیه خلق فلسطین مرتکب می‌شوند» ضروری است. عرفات خواستار تدارک یک کنفرانس بین‌المللی صلح برای خاور نزدیک و توقف کنترل شده مهاجرت یهودیان به مناطق اشغالی گردید.

توسط شاذلی قلیبی دبیرکل اتحادیه عرب خوانده شد، اعضای این اتحادیه حمایت خود را از عراق در ماجرای صدور اسلحه به این کشور و ضبط آن در کشورهای اروپایی اعلام کردند. کشورهای عربی همچنین توافق کردند به منظور مقابله با خطری که سیاست اسرائیل مبنی بر اسکان یهودیان در شهرک‌های مناطق اشغالی برای امنیت اردن ایجاد می‌کند، کمک‌های مالی در اختیار اردن بگذارند.

تشکیل اجلاس سران عرب به تقاضای سازمان آزادیبخش فلسطین صورت گرفت که خواهان بررسی مسئله مهاجرت یهودیان شوروی به اسرائیل در این کنفرانس شده بود. به گفته مقامات اسرائیل ممکن است شمار این مهاجران در سال جاری به ۲۵۰ هزار نفر برسد.

بیانیه اتحادیه عرب، سازمان ملل را فرامی‌خواند با کمک یک نهاد مناسب مانع اسکان مهاجران یهودی در مناطق اشغالی شود. مهاجرت یهودیان شوروی به

مغته گذشته اجلاس سران کشورهای عربی در بغداد برگزار شد. در این نشست، ۶۱ کشور از ۲۱ عضو اتحادیه عرب در سطح روسای جمهور یا پادشاهان شرکت داشتند. آخرین تلاش‌ها برای ترفیب حافظه اسد، رئیس‌جمهور سوریه برای شرکت در اجلاس بغداد بی‌نتیجه ماند و معسر قذافی رهبر لیبی که تا یک روز پیش از نشست بغداد، می‌کوشید در دمشق نظر مساعد اسد را جلب کند، بدون کسب موفقیت وارد عراق شد.

اجلاس سران عرب در قطعنامه‌های خود شدیداً آمریکا و اسرائیل و نیز مهاجرت یهودیان شوروی به اسرائیل را مورد حمله قرار داد. این اجلاس اعلام کرد کشورهای عربی علیه دولت‌هایی که اورشلیم را بعنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت بشناسند، دست به اقدامات اقتصادی و سیاسی خواهند زد. اما در اعلامیه پایانی کنفرانس، از اقدامات مشخصی نام برده نشده است. در بیانیه‌ای که طی اجلاس پایانی



بازدید ناخن و موی سر - اول صبح شنبه

نکاتی پیشنهادی در مورد مساله ملی کرد در ایران

برای ارائه به گنگره

بخش دوم

بهمین خاکباز

خصوصت و توسل به اسلحه برای به کرسی نشاندن حرف خود، برانگیختن انشعاب و توسل به انشعاب و ... همه و همه باعث کاسته شدن از دامنه نفوذ و اعتبار گروه‌های سیاسی شده است. باید در مناسبات بین احزاب و سازمانها دموکراسی برقرار گردد و تنوع نظر به عنوان شاخص دموکراسی به رسمیت شناخته شود. تشکیل "شورای کردستان" برای حل و فصل اختلافات موجود و متحد ساختن احزاب ملی کردیک ضرورت همیق و آرزوی همه مردم کرد است. باید با تمام توان در مجتمع کردن نیروهای کرد در یک "شورای کردستان" تلاش ورزید و ندهای تفرقه افکنانه را محکوم کرد.

نقد سیاست گذشته

سازمان فدائیان خلق (اکثریت) در قبال جنبش ملت کرد

۱- در سازمان از ابتدای تاسیس آن، دید روشنی نسبت به مساله ملی در کلیت خود و بطور اخص مساله ملی در کردستان وجود نداشت. توجه نسبت به جنبش کردستان در آغاز هلیرفم هشق همیق فدائیان به زحمتکشان به خاطر نقش عنصر اسلحه در این جنبش بود.

۲- پس از انقلاب بهمین ۵۷ سازمان با تزلزل و دودلی به مبارزه مردم در کردستان برخورد کرد. در کردستان دنباله روی و در مرکز تردید و دودلی حاکم بود. مرکزیت به جای آنکه در درجه اول به خود جنبش و ریشه‌ها و بنیادهای آن بیندیشد، به شکل مبارزه جاری در کردستان و هدم هماهنگی آن با مبارزه سیاسی در دیگر نقاط ایران توجه داشت.

۳- چرخش سازمان به راست اول تأثیرات منفی خود را در کردستان به نمایش گذاشت. سال ۵۹ سال قلبه بی‌صدقتی و دورویی بر سیاست سازمان در کردستان بود.

با قلبه کامل پینش راست مدافع رژیم جمهوری اسلامی بر مرکزیت (بر اساس پذیرش تئورهای مشعشع دوران، راه رشد فیر سرمایه داری، انترناسیونال و...) سازمان به جنبش کردستان پشت کرد. پشت کردن به کردستان نه بر اساس انتقاد به شیوه مبارزه جاری یا مصلحت مردم کرد بلکه بر اساس دفاع از جمهوری اسلامی بود. پشت کردن به جنبش کردستان با اتعام زنی به جنبش و سازمانهای ملی کردستان توام بود. سازمان به حق در میان مردم کردستان و نیروهای سیاسی کرد منزوی شد. تشکیلات سازمان در کردستان از هم پاشید و ضربات سیاسی، روانی و حیثیتی شدیدی بر فدائیان کرد وارد آمد.

۴- برخورد ناصداقانه و متزلزلانه به کردستان پس از روشن شدن ورشکستگی خطمشی دفاع از رژیم خمینی همچنان ادامه یافت. مرکزیت از اهراف صریح به همکلرد خطاکارانه‌اش در کردستان خودداری ورزید و در سازماندهی رفقای کرد که بخشی از آنها به کوه رو آورده بودند، بطور کامل بی‌وجهی کرد.

۵- در بروز این همکلرد خطا، علاوه بر مشی سیاسی و نداشتن دید نسبت به مساله ملی کرد، ساختار تشکیلاتی فیر دموکراتیک و حاکمیت مرکزیت بر تشکیلات نقش جدی داشته است. اگر اعضای کرد از حق سخن گفتن، بیان نظر و تعیین سیاست بر خوردار بودند، خطاهای صورت گرفته این ابعاد فاجعه بار را نمی‌یافتند. اعضای کرد سازمان بچیوجه از دایره انتقاد بیرون نیستند ولی حقیقی است که بسیاری از آنها نه با سیاست دفاع از خمینی موافق بودند و نه با پشت کردن به جنبش ملت خودولی ساخت فیر دموکراتیک تشکیلات چنین میدانی را به آنها نداد.

با توجه به این انتقادات، گنگره باید:

- ۱- همکلرد سازمان در کردستان را بویژه در سالهای ۵۹ و ۶۰ محکوم کند.
- ۲- از مردم کردستان به خاطر این همکلرد مخرب و منفی پوشش بطلبد.
- ۳- از حزب دموکرات کردستان ایران و کومه‌له به خاطر اتهامات ناروایی که از جانب رهبری سازمان به آنها در سالهای قلبه خطر است بر سازمان زده شده است هذر خواهی کند.
- ۴- از اعضای کردی که بخاطر اتخاذ چنین مشی از جانب رهبری سازمان و هدم انتقاد صریح از این

همکلرد نتوانستند در چهار چوب سازمان به آرمانهای مبارزاتی شان تحقق بخشند، صمیمانه پوزش بطلبد.

مشی سیاسی و تشکیلاتی سازمان در کردستان

- ۱- در سند برنامه‌ای سازمان باید با صراحت "حق تعیین سرنوشت" گنجانده شود. و بر روی سمت تاریخی، هدف نهائی جنبش کردستان، اهداف و جایگاه مبارزه ملت کرد تاکید شود. بر نظام دموکراتیک و فدراتیو و حکومت خودمختار ملتها باید به عنوان پیش شرط استقرار دموکراسی در ایران تاکید گردد.
- ۲- شعار مرحله‌ای سازمان در کردستان می‌تواند برقرار باد "دولت خودمختار کردستان" باشد.
- ۳- سازمان باید برای تقویت تشکیلات خود در کردستان بکوشد و نیروی خود را بر روی تقویت مبارزه زحمتکشان و روشنفکران کرد متمرکز کند.
- ۴- سازمان باید در جهت برقراری روابط مودت‌آمیز و دموکراتیک با احزاب ملی کردستان (حزب دموکرات کردستان ایران، حزب دموکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی - کومه‌له و...) بکوشد و در جهت نزدیکی و متحد ساختن آنها تلاش ورزد.
- ۵- سازمان باید در جهت اتحاد عمل و تشکیل جبهه با نیروهای ملی کردستان تلاش ورزد.

- ۶- سازمان باید بر روی تبلیغ و ترویج حول مساله ملی در کردستان تلاش کند.
- ۷- سازمان در خارج از کشور باید در جهت طرح مساله کردستان در سطح بین‌المللی کوشا باشد.
- ۸- سازمان باید از جنبش ملی - دموکراتیک سایر بخش‌های کردستان پشتیبانی بعمل آورد. مشی تشکیلات:

- ۱- سازمان اعضاء خود را در کردستان در واحدی به نام تشکیلات کردستان فدائیان خلق (سازمان کردستان) متشکل می‌کند.
- ۲- تشکیلات کردستان (سازمان کردستان) فدائیان خلق سیاست خود را با مشی همومی سازمان هماهنگ کرده و لی تصمیم نهائی در مورد سیاستی را که باید در کردستان پیش‌گرفت، خود اتخاذ می‌کند.
- ۳- این تشکیلات تصمیم‌گیری در کلیه امور مربوط به کردستان، انتخاب و شکل و شیوه مبارزه و رابطه با نیروهای کردستان ایران و سایر بخش‌های کردستان و... را خود اتخاذ و اجرایی می‌کند.
- ۴- این تشکیلات هر دو سال یک بار گنگره خود را تشکیل داده، سندهای اصلی برنامه‌ای و سیاسی خود را تهیه و تصویب کرده و کمیته مرکزی خود را بر می‌گزیند. کلیه مسئولیت‌های سیاسی و تشکیلاتی کردستان بر عهده این کمیته است.
- ۵- این تشکیلات دارای ارگان مرکزی خود به زبان کردی است.
- ۶- رفقای کرد در خارج از کشور در پیوند با تشکیلات کردی سازمان بوده و در جهت طرح مساله ملی کردستان در نزد افکار همومی بین‌المللی و... کوشا خواهند بود.

پاسخ به نوشته‌ای تحت عنوان

"برنامه نوین، چهره بدون نقاب چپ اکثریت"

فناصب حکومت را به همانجایی فرستاده که متعلق به آن هستند و آن جایی نیست جز حوزه، حرم و مسجد، و یا گسیل دوباره آنان به آن اماکن بایستی روابطی منطقی و حقوقی برای آنان با دیگر نهادهای اجتماعی از جمله دولت وضع کرد.

خانم سودابه‌سام در نوشته خود چنین می‌گوید که رفیق امیر روحانیت شیعه ایران را با کلیسای پروتستان سوئد هوضی گرفته‌اند" ولی از نظر من رفیق امیر نه مسئله‌ها هوضی گرفته بلکه از بهترین روزنه به ایران آینده چشم دوخته است. ای کاش روزگاری روابط روحانیون مانیز با دیگر نهادهای اجتماعی از جمله دولت همانند روحانیون پروتستان سوئد باشد. در زمان حاکمیت کلیسا در اروپا نیز روحانیون مسیحی جایگاه کارانه با مردم کرده‌اند ولی مدنیت و تمدن توانست مهر خود را در جامعه بکوبد و حدود و ثغور هر نهاد از جمله روحانیت را معین نماید. مانیز امروزه نه با نادیده گرفتن آن در جامعه خود ورد تام‌وتام دین و مذهب و روحانیت وابسته به آن بلکه با مطالعه خصوصیات خاص کشورهای و بهره‌گیری از تجربیات دیگر ملل حدود و ثغور دین و روحانیت را روشن نموده و به شکلی کامل به مردمان ارائه دهیم.

رفیق امیر به شکلی مختصر و نه کامل در برنامه‌اش به روابط دولت و روحانیت پرداخته که خود می‌تواند حداقل منشا بحث و نظرات هر چه بیشتر محققین در این مورد گردد.

فرزین افراکفورت

بعد خود نشان دهنده این روند ففطدریک کشور اروپایی است. این را نیز بایستی خاطر نشان کرد که لزوم نهادهای اجتماعی را خود جامعه رقم می‌زند نه خواست این یا آن نیروی سیاسی چنانچه در بعضی از کشورها به اصطلاح سوسیالیستی دیدیم که برخورد فیزیکی آنها مثلاً با نهاد دین و مذهب و ستن و تعطیل کردن کلیسا و مسجد و ممنوعیت کتب دینی نتوانست نتایج خود را به بار بیاورد.

ما که برای آینده کشورمان ایران در جهت گوناگون مبارزه می‌کنیم بایستی با درس‌گیری از تاریخ جهان برنامه و چارچوبه مشخصی را برای نهادهای اجتماعی و اهداف و روابط آنها پیشینهاد و ارائه دهیم و فقط با شعارهای تندوتیز که آرامش دهنده احساسات پر خروش جوانی رفیقمان امیر نمایی از آن را در برنامه ارائه شده‌اش تجلی داده است به این نتیجه‌گیری ناصحیح رسید که چپ نو اندیش در اکثریت نمایش چهره راست ترین جناح سازمان می‌باشد، نتیجه‌گیری که خانم سودابه‌سام به آن رسیده است.

در مورد رابطه دین و دولت اینطور می‌توان گفت که هر جامعه‌ای از نهادها و سازمانهای اجتماعی مشخصی تشکیل شده که در عین استقلال، روابطی آنها را بیکدیگر پیوند می‌زند و همانگونه که از رنسانس به بعد در اروپا شاهد آن هستیم برای آنکه جامعه بتواند چارچوبه مشخص و قانونی داشته باشد بایستی روابط هرفنی مابین نهادهای اجتماعی گوناگون (حکومت، اقتصاد، دین، خانواده و...) در جامعه را با روابط قانونی و هاقلا نه که خواست بشریت متمدن امروز است، جایگزین کند. البته بایستی این را خاطر نشان کرد که این تحولات در کشورهای اروپایی نه به آسانی بلکه با مبارزات و مصائب و مشکلات بسیار بدست آمده است که مطالعه انقلاب کبیر فرانسه به

خانمی بنام سودابه‌سام از نوربرگ در نشریه اکثریت شماره ۳۰۴ مسئله‌ای را در مورد برنامه ارائه شده از طرف رفیق امیر بیان نموده‌بود که لازم دیدیم تا حدودی به آن بپردازم

نامبرده اصطلاحات رایج در احزاب و سازمانهای سیاسی تحت عنوان چپ و راست را در نوشته خود با محک برخورد با مذهب و روحانیون سنجیده و این اصطلاحات را از مضمون سیاسی آن تهی ساخته است. البته اکنون جای آن ندارد که به ریشه تاریخی این اصطلاحات پرداخته بشود که چه هستند و چه معانی سیاسی را در ذهن ایجاد می‌کنند و چگونه از آنها در گفته‌ها و نوشته‌ها بایستی استفاده کرد، و به صرف برخورد حکومتی دمکراتیک با مذهب و روحانیون در ایران آینده که رفیقمان امیر نمایی از آن را در برنامه ارائه شده‌اش تجلی داده است به این نتیجه‌گیری ناصحیح رسید که چپ نو اندیش در اکثریت نمایش چهره راست ترین جناح سازمان می‌باشد، نتیجه‌گیری که خانم سودابه‌سام به آن رسیده است.

در مورد رابطه دین و دولت اینطور می‌توان گفت که هر جامعه‌ای از نهادها و سازمانهای اجتماعی مشخصی تشکیل شده که در عین استقلال، روابطی آنها را بیکدیگر پیوند می‌زند و همانگونه که از رنسانس به بعد در اروپا شاهد آن هستیم برای آنکه جامعه بتواند چارچوبه مشخص و قانونی داشته باشد بایستی روابط هرفنی مابین نهادهای اجتماعی گوناگون (حکومت، اقتصاد، دین، خانواده و...) در جامعه را با روابط قانونی و هاقلا نه که خواست بشریت متمدن امروز است، جایگزین کند. البته بایستی این را خاطر نشان کرد که این تحولات در کشورهای اروپایی نه به آسانی بلکه با مبارزات و مصائب و مشکلات بسیار بدست آمده است که مطالعه انقلاب کبیر فرانسه به

توضیح
 حساب بانکی: M.ABD
 در اکثریت شماره ۳۰۵
 شماره حساب بانکی نشریه با یک کد بانک: NR- 35263011
 37050198
 Stadtsparkasse Köln
 W.GERMANY
 صحیح آن بدینگونه است:

مسئله اصلی در سازمان ما و در جنبش چپ دمکراتیک

مهدی خسرو شاهی

طرح بحث

در کجای جامعه خود ایستاده ایم و چه رسالتی قائلیم؟ چه برنامه‌ای ارائه می‌دهیم؟ از دمکراسی و عدالت حرف می‌زنیم، چنان که پیش از این می‌زدیم، از جمله در آن زمانی که از جمهوری اسلامی دفاع میکردیم. همان هنگام هم می‌پنداشتیم که از ایخوامیم. بنابراین، این اینگونه کلیات کلی‌اند. با کشیدن چند خط تاکید زیر آنها، باز نمی‌توانیم مدعی باشیم که به راستی رزمنده راه دمکراسی و عدالتیم و دیگر سوراخ دهرا را گم نمی‌کنیم، پیش از این هويت نماينده طبقه کارگرم، از این طریق بر فراز خلق ایستاده‌ایم و تاریخ‌ها را مجسم در اردوگاه سوسیالیسم، در پشت سر خود داریم؛ برای استقلال و عدالت می‌زنیم و آرمان ما سوسیالیسمی است که مدل آن حاضر و آماده و امتحان شده است؛ به فکر کردن هم چندان نیاز نداریم؛ فکر کردن با لنین به پایان رسیده است و رفقای آکادمسینی در آنسوی آرس وجود دارند که فکر لنین را در قالب تئوری رشد غیر سر مایه‌داری به زبان خلق‌های جهان سوم ترجمه کرده‌اند. بدین ترتیب همه اسباب بزرگی برای ما فراهم بود. متکی به نفس بودیم و روی ابرها راه می‌رفتیم. دیگران هم با ما چندان فرقی نداشتند. فرق ما و توده‌های هابا دیگران این بود که تا ته خط رفته بودیم. با خیال راحت تر به کوه قاف تکیه داده بودیم و اما اگر نمی‌کردیم، حالا چه؟ حالا دیگر کجای کاریم؟ رابطه بسیار ضعیفی با مردم و طبقه کارگر داریم و سوسیالیسم را که هم می‌بینیم چگونه بحران زده است. آن از نماینده طبقه کارگر بودنمان و این هم از جامعه آرمانی مان! حالا هویتیمان چیست؟ حالا در کجای جهان ایستاده‌ایم؟ در جامعه ایران خود را به کدام جریان اجتماعی متعلق می‌دانیم؟ مسئله اصلی در سازمان ما و در جنبش چپ دمکراتیک این است، بقیه مسائل فرعی‌اند و یا تابع این پرسش‌اند: این جمله مسئله خواستهای برنامه‌ای، از جمله مسئله موازین تشکیلاتی. در این مقاله گوش می‌شود چنانچه از این موضوع باز شود. به نظر نگارنده بحث‌های سازمان ما و جنبش چپ دمکراتیک در چه نخست باید بر روی این موضوع، موضوع هویت یابی، تمرکز یابد.

سرگشتگی

هدف این نیست، که بحث هویت بطور ارادی به محور بحث تبدیل شود. این مسئله عملاً در کنون مسائل ما قرار گرفته است. هر کس بدان به نوعی پاسخ می‌دهد از جمله آن کس که مبارزه سیاسی، یا دست کم مبارزه متشکل را، کنار می‌نهد و آن کس که چشمش را بر همه واقعیت‌ها می‌بندد و هنوز در بند پندارهای گذشته است. مشخص روشن بحران هویت، سرگشتگی است. نظرات افراد به سرعت در حال تغییر است. ما در وضعیت هستیم که روی حرف کسی نمی‌توان حساب کرد. کسی نسبت به خود مطمئن نیست و حالت عدم اطمینان در نزد بسیار کسان به صورت عوارضی عصبی بروز کرده است. رسته رفاهت‌های دیرینه گسسته می‌شوند، بحث‌ها با منطق و اندیشه پیش نمی‌روند و هر کس می‌کوشد کسی یا چیزی را بیابد تا چشمش را روی آن خالی کند. یکی بقیه مارکس را می‌گیرد و یکی لنین را، یکی استالین را ام‌اللحبابت می‌داند و یکی تمامیت تاریخ سوسیالیسم را، در همه جا هم به حق و هم به ناحق کمیته مرکزی زیر ضرب است. همه می‌دانیم که چرا به حق، اما به جنبه نابه حق مسئله توجه نداریم. توجه نداریم که پیش از این اکثریت قریب به اتفاق ما، به عنوان انسانهای مائل و بالغ، تصمیمات رهبری را تأیید می‌کردیم و توجه نداریم که اعضای مرکزیت هم در همان جوی نفس می‌کشیده‌اند که ما.

اخیراً در یک نشست رفقای اعلام کرده‌اند که بحران سازمان ما ناشی از تعلق خاطرمان به "جنبش جهانی کمونیستی" بوده است. چنین انتقادی چیزی را توضیح نمی‌دهد، مثلاً بحران خود "جنبش جهانی کمونیستی" را، مثلاً بحران سازمان‌هایی را که به این "جنبش" تعلق خاطر نداشتند. شاید این سخن جنبه‌ای از ویژگی بحران ما را از زاویه‌ای خاص توضیح دهد، اما در مورد نفس بحران همچنان در ابهام است. کلی‌تر بگوییم: هر انتقادی که بخواید یک "مختصر" برای توضیح بحران بیابد و این "مختصر" را به عنوان هاملی بیرونی، به عنوان چیزی خارج از ذهن من و تو، به عنوان پدیده‌ای مستقل از وجود ما، پدیده‌ای که گویا با جادو، جنبل، فریب، هومرایی،

تحمیل یا چشم‌بندی خود را به هویت ما تحمیل کرد، قلمداد کند، یک گام کوچک هم از دایره سرگشتگی بیرون نگذاشته است.

نقد گذشته

بحث "هویت" با نقد کارکرد گذشته پیوند خورده است. طبیعی و ضروری است ما این دو بحث را باید تا حدودی از هم تفکیک کرد. باید تفکیک کرد تا ندکی از سرگشتگی کاست. گذشته بد، بدیدیدید! حالا چه؟ مرکزیت بد، بدیدیدید! اعضا چه؟ جنبش کمونیستی بد. جنبش غیر کمونیستی چه؟ در ایران ما، آلوده‌ترین و خطاکارترین جریان چپ صدار بر جریانات غیر کمونیستی شرف داشته است، صدار در آن موازین دمکراتیک‌تری برقرار بوده است. بهترین، اندیشمندترین، مردم‌دوستترین و جانباورترین مبارزین سیاسی همین ما در جریان‌های کمونیستی متشکل بوده‌اند. برای اعتراف به این نکته، نیاز به انصاف چندان زیادی نیست. سیاستی را که "اکثریت" در قبال جمهوری اسلامی پیش برد، از زوایای مختلفی می‌توان نقد کرد. تجربه بحث‌های چند ساله نشان می‌دهد که زاویه نقد تبع مستقیم درک ما از برنامه‌ایست که برای آینده مطرح می‌کنیم، منظور از برنامه جزوه‌های حاوی مجموعه‌ای از خواسته‌ها نیست. منظور هویتی است که ما برای خود قائلیم. در گذشته، شاید بتوان گفت تا سال ۶۵، ما با جناح رادیکال جمهوری اسلامی اشتراک برنامه‌ای داشتیم. برخی شعارهای اساسی مان یکسان بودند: استقلال، رفاه‌محایی به نفع "مستضعفین"، تاکید بر دوتائی کردن وسیع و نظایر اینها.

ما در جامعه خود نقش جناح چپ "سنگریان" ایفا می‌کردیم. اکنون تغییر جبهه داده‌ایم، اما هنوز دقیقاً نمی‌دانیم در کدام جبهه قرار داریم. گرایش سیاسی ما را تا حدودی مشخص شده است و برخی شعارهای ما، اگر در گذشته فقط روی شعارهای سیاسی و خواستهای برنامه‌ای تکیه نمی‌کردیم و در می‌انجامیم در جامعه ما چه نبردی جریان دارد و ما در کدام جبهه قرار گرفته‌ایم، شاید در اندیشه فروری رقیب و راه دیگری را پیش می‌گرفتیم، اکنون نیز دارد همان تجربه ما تکرار میشود. باز فقط روی شعارها مکت می‌کنیم و از جریانهایی که در همی جامعه ما در برابر هم ایستاده‌اند، فاقلم، تفاوت با گذشته در این است که این بار انتخاب، آزاده‌تر صورت می‌گیرد و کم‌تر متأثر از جو است. یک معنای تکیه بر شعار "دمکراسی" این است که "بگذارید همان باشیم که هستیم"، یک جنبه تشکیلات گریزی نیز همان بار دارد: "تشکیلات نمی‌گذارد که من خودم باشم".

هویت این "من" چیست که می‌خواهد خودش باشد؟ آیا واقعا این "من" از تئوری و از اندیشه‌ورزی به هویت راستین خود نقب زده است؟ شاید نقد تجربه کسب کرده باشیم که توانیم بین ملت و انگیزه، بین سائق و محمل تفاوت بگذاریم.

خودمان باشیم

خوب بیابیم خودمان باشیم! همه اصطلاحات تئوریک را کنار بگذاریم و گذشته را نیز در پراکنش قرار دهیم، گرایشمان چیست؟ آیا بهتر نیست نه به نام تاریخ، نه به نام مردم، نه به نام زحمتکشان، بلکه به نام خودمان سخن بگوییم؟ همه دمکراسی می‌خواهیم، پیشرفت می‌خواهیم و امنیت، عدالت اجتماعی؟ چه بسیار گفته می‌شود که باید در این زمینه بحث کرد که منظور چیست. مشخص است که منظور سوسیالیسم نیست. معمولاً در این زمینه خواسته‌هایی در راستای پیشرفت مطرح می‌شود.

تابع پیشرفت، برای پیشرفت هم، در چه اول باید به متخصصین و متولیان میدان داد. برای بقیه باید کار فراهم کرد و یک سلسله تأمینات اجتماعی. خوب، این خواسته‌ها بر روی چه طبقه‌ای سوارند، در دایره وجود و شعور کدام طبقه قرار می‌گیرند؟ مشخص است که قشر متوسط جدید، قشر تحصیل کرده، متخصص، متجدد، به تنگ آمده از سنت و سنت‌گرایی. قشری آزادی خواه و اهل تفکر و اهل فن، اکثر ما به طور عینی در این قشر می‌گذریم و حالا دیگر تصمیم فرم‌های خودمان باشیم. بدو دار مان سوسیالیسم! بدو در طبقه کارگر! بدو در ماجراجویی‌های دوران نوجوانی! مادیر که سن

عقل رسیده‌ایم، دیگر پایمان روی زمین است. دیگر بی‌گدار به آب نخواهیم زد.

پرسترویکا ایرانی

پرسترویکا ایرانی مبتنی بر شعور بیدار شده روشنفکران چپ بر خاسته از درون قشر متوسط جدید است. این روشنفکران هنوز به طیف چپ جامعه ما تعلق دارند، اما از سوسیالیسم سرخورده شده‌اند. همه دلایل محکمی برای سرخوردگی دارند: تجربه کشورهای سوسیالیستی و بی سرانجامی سوسیالیسم در ایران، پرسترویکا در چپ ایران بر خلاف پندار بسیار کسان نمر پرسترویکا شوروی نیست. پرسترویکا شوروی به نوآندیشان ایرانی میدان داد و جسارت بخشید. اگر در شوروی پرسترویکا و گلاسنوست رخ نمی‌نمود، نوآندیشی ایرانی نقطه ممکن بود با شکل و شمایل دیگری بروز کند. نوآندیشی ایرانی اسباب و علل خود را دارد. ریشه آن در انقلاب بعثت است. انقلاب تمام خلقتی بعثت انقلابی سنت‌گرا بود. قشرهای متوسط جدید علی‌رغم آن و آبی که در نظام مستقر در پیش از انقلاب بعثت داشتند، با این نظام در تضاد بودند. نظام شاهی بود بوروکراتیک و ضددمکراتیک بود. مجال نفس کشیدن، مجال حرف زدن، مجال بروز ابتکار و خلاقیت به کسی نمی‌داده قشر متوسط جدید که بر چندا اصلی تجددگرایی در ایران است در کنار سنت‌گرایان قرار گرفت. اکنون از این هم‌راهی پشیمان است. آن هم تا به حدی که اگر بازگشت به سال ۵۷ میسر بود، نظام شاهی را بر نظام اسلامی ترجیح می‌داد. این قشر اکنون بیدار شده است. می‌شود گفت که بیدارترین طبقه اجتماعی در ایران است. بیداری این قشر است که زمینه اجتماعی پرسترویکا چپ‌های ایران را فراهم آورده است. گمان مبرید که در پس این تحلیل، تحقیر یا توهینی نهفته است. در اینجا واقعیتی بیان می‌شود که آگاهی به آن می‌تواند به نوآندیشی ایرانی خودآگاهی بیشتری بخشد.

قشر متوسط جدید در ایران یکدست نیست و از فرهنگ متلونی برخوردار است. نوآندیشی به هیچ رو تمامیت این قشر را نمایندگی نمی‌کند. نوآندیشی تمایل آن دسته از روشنفکران این قشر است که در سازمان‌های چپ متشکل بودند، اکنون از چپ سنتی و آئین‌گرا سرخورده شده‌اند و به دنبال آلترناتیو دیگری می‌گردند که خودآگاهی‌شان را در آن متجلی ببینند. این گرایش، این آینده روشن را دارد که به یک سخن‌گوی عمده جریان میانی و چپ تجددگرایی در ایران تبدیل شود. یک مسئله اساسی این گرایش شکل سازمانی آن است: باید حزب یا حزبی تازه‌ای را بنیان نهاد و یا می‌توان برخی سازمان‌های موجود چپ را تسخیر کرد و از این طریق برنامه خود را پیش برد. تمایل به گریز از سازمان‌های موجود چپ وسیع است: "تا به سالیها سازمان‌ها، تا مدتها سنتها و موازین گذشته تاثیراتشان را به جا می‌گذارد، پس راه دیگری را باید یافت"، بازی از اول در پس‌پژخی از تنش‌های تشکیلاتی این منطق عمل می‌کند.

تیبين هویت

پیش‌گفته‌ها همه دلالت بر این امر دارند که بخش قابل چپ ایران بر آن سراسر است که هویت تازه خود را تبیین کند. "اهدات کهنه"، داعیه‌های قدیمی مبتنی بر پیشاهنگ زحمتکشان و تمام خلقت بودن، و حجب و حیایه که ناشی از تداوم تاثیر ایدئولوژی مارکسیستی است در این مسیر سنگ اندازی می‌کنند. پایه سرگشتگی در اینجا است: جوهری هویت تازه را تبیین کنیم که گویا تکامل یافته‌ایم، که گویا تحصیلاتی تازه‌ای را برنگزیده‌ایم! پیشنهاد: بهتر نیست تعارف‌ها کنار گذاشته شوند؟

به اعتقاد من آئین گرایان در اظهار ناامیدی نسبت به روند در حال جریان خطا می‌کنند. با هر موضعی باید از این روند استقبال کرد: نیکوست اگر قشر میانی متجدد مدارای یک جریان سیاسی خودآگاه شود، جریان سوسیالیست دمکراتیک که خود را چپ می‌داند. این جریان میرتی و آزادی خواه است، در قوام یافتن اندیشه آزادی در جامعه ما موثر است و اگر بتواند ظرف تشکیلاتی مناسبی بیابد، می‌تواند روی طیف وسیعی تاثیر گذار باشد. جریانهایی دگماتیست، به خاطر عدم اطمینان به خود، به این خاطر که زیر پایشان سست است و می‌دانند که به نفع این جریان نیرو از دست خواهند داد، دل خوشی از "نوآندیشی" ندارند و بدان حب و بغض می‌ورزند. خود جریانی "نوآندیشی" اگر دریابد که در کجا ایستاده است، موفق‌تر حرکت خواهد کرد. مشخص‌تر بگوییم: به صفحات اول دو سند برنامه‌ای ارائه شده در سازمان ما یکی نوشته فرج‌مبینی (امیر) و دیگری فرخ نگهدار بنگرید تا دریابید جریانی "نوآندیشی" که تکیه‌گاه اصلی آن سازمان "اکثریت" است، هنوز چقدر در تبیین هویت خود سردرگم و همچون گذشته فرجه‌های فرج‌مبینی فداکاران را نماینده تمام مردم ایران، نماینده همه کارورزان و سازندگان جامعه، بدون قائل شدن "مرزهای جدایی افکنانه" در صفوف آنها می‌داند (صفحات ۴۸ تا ۵۱) "برنامه نوین" در مقابل فرخ‌نگهدار محتاط‌تر است و می‌گوید نگوئیم ما نماینده کیستیم، "سازمان ما باید صرفاً با شعارهایش، با مطالبات سیاسی و اجتماعی‌اش شناخته شود" (صفحات ۴ تا ۷) جزوه "پیرامون برخی مسائل خط مشی، برنامه و اساستها"، اینگونه تبیین هویت، مسائل زیادی را در ابهام می‌گذارد. بهتر است صریح‌تر و دقیق‌تر سخن گفته شود.

مسئله اصلی سازمان ما و جنبش چپ دمکراتیک

مسئله اصلی سازمان ما و جنبش چپ "نوآندیشی" همین مسئله تبیین هویت است. برنامه و اساستنامه و خط مشی سیاسی از هویت مشتق می‌شوند. "نوآندیشی" آنگونه که تاکنون خودش را معرفی کرده است، باید در تبیین هویت خود در درجه اول تاکید کند که مشخصه اصلی آن تجددخواهی است. به آن جریانی تعلق دارد که در صدساله اخیر صریح و یا مضمحل، صرف نظر از خطوط و خطوط سیاسی متلونی که هم‌اکنون بوده است و به این اعتبار چندپاره می‌نماید، کوشیده است جامعه‌ما را "نوآندیشی" کند. "نوآندیشی" نابارم منقلقی که پی می‌گیرد، دیر یا زود باید معترف شود که قشر جدید پرچمدار تجددخواهی دموکراتیک است. حال می‌توان این قشر را "هدف" و "پایه یک اعتبار" و "سیله" دانست. "هدف": آینده را قشر متوسط جدید رقم می‌زند. در همه جا، چه در اروپا و چه در آسیا، در ایران این قشر از همه خودآگاه‌تر است، آزادی خواه و روشن بین است. این قشر است که می‌تواند سنگ اصلی مقاومت در برابر سنت‌گرایی باشد. طبقه کارگر، دهقانان و زحمتکشان شهری ناآگاه‌تر و سنت‌گرا تر از آنند که بتوانند تکیه‌گاه نوآندیشی جامعه و دموکراتیزه کردن آن باشند. نتیجه: هدایت جامعه را باید این قشر برعهده گیرد. سازمان ما باید تاکید اصلی‌اروی این قشر بگذارد.

"وسيلة" این یک واقعیت است که قشر متوسط جدید برای جذب اندیشه‌های دموکراتیک از دیگر طبقات خلق آحادی بیشتری دارد و پیشروان مبارزه فرهنگی تجددخواه، دموکراتیک و همچنین چپ را از دل خود بیرون داده است. از این واقعیت باید به عنوان یک سرپل استفاده کرد. نوهی تئوری مراحل: ابتدا کار در هر دو روزهایی جدید در انقلاب با بورژوازی متوسط، بعدی کار با طبقه کارگر اتیک و امکانات برای سازمان‌هایی زحمتکشان. بقیه داستان روشن نیست، بعداً خواهیم دید که چه می‌شود و چه کار می‌شود کرد.

هر دو موضوع از یک منطق قوی برخوردارند. قدرت هر دو در واقع بینی‌شان است. البته موضع دوم ضعیف‌تر از اول است. شاید در نزد بعضی کسان فقط یک محمول باشد: سر پلی برای در فلتیدن به موضع اول.

در این رابطه موضع نوآندیشان "اکثریت" چیست؟ هنوز گویا نظر مشخصی وجود ندارد. مسئله را کلی‌تر بیان کنیم: اکنون نظرمندان سازمان ما طبقات مختلف جامعه ایران و جریانهایی مختلف اجتماعی این جامعه چه برداشتی دارند؟ می‌خواهند تاکید اصلی‌را بر روی کدام قشر و بر روی کدام جریان بگذارند؟ این که روشن شد تا حدودی تعیین جریانی شده است. باید بر روی گرفتن پاسخ روشن این سوالات اصرار کرد. رفقا! شعارهای کلی را باور نکنید: آزادی خواهی، عدالت خواهی و نظایر اینها. سوسیالیسم آرمانی، نمایندگی تمام خلق، تداوم راه هرگز و یابک و ارانی و محدود جزئی... اینها همه اش حرف است، البته حرف‌هایی بنایت خیر. اگر نوآندیشان صریح بگویند که ما اینیم، در اینجا جامعه قرار داریم، متعلق به این جریانییم و روی این طبقه حساب اصلی را باز می‌کنیم، آنوقت حرف‌هایشان مشخص می‌شود. آنوقت می‌توانیم بگوییم: روی این نظر می‌شود حساب کرده، سازمانی که این نظر را داشته باشد تصمیم گرفته است ساز خود را منتاسب با تمایلات مشخص و روشن این با آن طبقه و جریان اجتماعی کوک کند، بنابراین پایش روی زمین است اگر مثل گذشته هم کله با شود، "دموکراتیک" کله با شده است، از "مردم" خود فرمان گرفته است و نه از "نامه مردم" آنها.

مسائل دیگر

بنابر این مسئله اصلی شد مسئله هویت، و هویت یعنی این که بگوییم در زنجیره‌های که جامعه‌ها می‌سازد، ما بر آئیم که به کدام حلقه جنگ می‌زنیم. قلم می‌گفتیم طبقه کارگر. حالا مثلاً می‌گوییم جریان تجددخواه که روی قشر متوسط جدید سوار است. این مسئله اصلی است، اما ما مسایل دیگری نیز داریم، مسائلی علاوه بر موضوعاتی که بار تشکیلاتی دارند و یا به گذشته "اکثریت" برمی‌گرداند.

دیگر مسائل عمده که پاسخ خالصه به آنها تابع مسئله هویت است بر سه دسته‌اند: مسئله ایدئولوژی و بطور مشخص تعیین موضع نسبت به مارکسیسم، مسئله نقشه سیاسی و مسئله موازین تشکیلاتی.

مسئله مارکسیسم

جریان نوآندیشی بر آن است که غیر ایدئولوژیک باشد. اعلام می‌کند که ایدئولوژی امر افراد است و نه امر حزب سیاسی. بنابراین جریان نوآندیش مدعی نیست که می‌خواهد به درک نوینی از مارکسیسم مجتم شود. در ابتدا چندین داعیه‌ای وجود داشت، اما اکنون رنگ باخته است. ظاهر قضیه دموکراتیک است: می‌خواهید مارکسیست باشید یا نباشید، این مسئله خودتان است، جریان در این موضوع دخالت نخواهد کرد. بعنوان یک مارکسیست بلاکشیده نمی‌توان از این موضوع ناخرسند بود: حزب مارکسیستی، مارکسیسم حزبی می‌طلبد و مارکسیسم حزبی بنابراین تجربه مارکسیستی است کلیشه‌ای. به نفع مارکسیسم است که کلیشه نشود و از خطاها و آلودگی‌های حزبی مصنوع بماند. می‌تواند نیروی معنوی

باشد، انتقاد کند، سیاست ارائه دهد اما وسیله‌ای برای توجیه سیاستها نشود. اما باز شاه مارتیسیستی این مَشدرار می‌دهد که معنای ایدئولوژی ز ادایی کردن معمولاً مارکسیسم ز ادایی کردن است. فردا معلوم نیست که بتوان مارکسیست در این جریان نفس کشید، رفتاری مارکسیست، مواظب باشید!

مارکسیست بودن کار دشواری است، خاصه امروزه و آنهم نه صرفاً به خاطر بهم ریختگی نظری و شکست تجربیاتی که به نام مارکسیسم صورت گرفته است. مارکسیست بودن قبل از این که اعتقاد به مجموعه‌ای از تئوری‌ها و احکام باشد، یک تصمیم گیری است. مارکسیسم دارای اصابت شگفت متحد کردن است. نمی‌توان همانگونه مارکس بست بود، که می‌توان مثلاً آگریز مستانسیالیست بود. "بیشتر نو" تصمیم گرفته است که مارکسیست نباشد. بنابراین بحث در این زمینه که درک تازه از مارکسیسم چیست، کجای مارکسیسم فقط بود و کجای آن درست، بی معنی است. در کنگره "اکثریت" هم زمینه‌ای برای بحث در این زمینه وجود ندارد: نمایندگان، ایدئولوژی ز ادایی خواهند کرد و قال قضیه را خواهند کنند. مارکسیسم محترمانه کنار گذاشته خواهد شد.

مارکسیسم یک پیش تاریخ خوش بینانه است، یک وجه قدرتش در نگاه امیدوارانه به آینده است. از یک مارکسیست خوش بینی آش را بگیری، بدجوری بحران زده خواهد شد. و حال قضیه چنین است. چیزی از سوسیالیسم نمانده است و صحبت کردن از انقلاب سوسیالیستی جرات و جسارت می‌خواهد، و نوعی ساده‌نظری که به بلاغت می‌ماند. زمینه‌ای برای خوش بینی وجود ندارد. در این روزگار برای خوش‌بین بودن، باید مارکسیسم را دستکاری کرد و آن را به چیز دیگر تبدیل ساخت. اما هلی رقم توهمانی که همه گیر شده است، جهان نامدارانه است، بدجوری نامدارانه است. تاریخ بای عدالتی پیش رفته است و برخلاف نظر هگل، حکمت آن همواره این نبوده است که محکمه باشد. جهان نامدارانه است و هیچ اندیشه‌ای همچون مارکسیسم این بی عدالتی را همان ساخته است. مارکسیست بودن کار دشواری است، این روزها دشوارتر، ز فقاً! فکری برای خودتان بکنید، چه در "اکثریت" و چه در هر جای دیگر.

آزاد باشد. اخیراً گفته می‌شود اقلیت اگر تصمیمات اکثریت را نپذیرفت مقید به اجرای آن نیست. دیگر معلوم نیست که چگونه می‌شود کاری را پیش برد: مرکزی بی اقتدار و تشکیلاتی که در آن هر کس می‌تواند ساز خود را بزند حالا که قرار است از بورژوازی آموخته شود، بد نیست تحقیق شود که آیا در احزاب بورژوازی هم چنین موازینی برقرار است.

در این زمینه مشکل یکی دوتا نیست. یک مساله عمده تشکیلات داخل است، که در اینجا فقط می‌توان اظهار امیدواری کرد که بان با احساس مسئولیت کافی برخورد شود. مساله دیگر سپردن مسئولیتهاست. میل به تغییر رهبری گرایشی قوی است. این بیم وجود دارد که افراد مناسبی داوطلب مسئولیت‌های اصلی نشوند. نیز این که محافلی در مرکزیت فعلی بخوانند نقش مرکزیت سایه را بازی کنند و بدین ترتیب باز همه چیز داخل و پاخل شود.

مساله مرکزیت، مساله‌ای بس جدی است. مهمتر از تعیین ضوابط انتخاب افراد است. پیش از این که در پی عوض کردن چهره‌های سابقه دار باشیم، باید علاوه بر توجه به خطوط ربطه بدان بیدیشیم که کسانی که مسئولیت می‌پذیرند وظیفه به کار کردن جدی باشند و بتوانند با هم کار کنند. مهمترین ضابطه باید این باشد: هرکس به هر دلیلی کار نمی‌کند، باید مسئولیتش را بگذرد.

دوای هم‌مونی هم جدی است. کسانی هستند که می‌خواهند حول خودشان سازمان بسازند گمان می‌کنند ایده‌های بزرگی دارند و باید میدان کافی برای حرکت بیابند. در صورت حرکت به سمت وحدت گروه‌هایی که اشتراک نظر دارند، باز ده‌ها اینان مساله ساز خواهد شد. مساله دیگر مساله چگونگی گذار از فرهنگ بسته و خودمدار تشکیلاتی پیشین، به سوی فرهنگ یک حزب جنبشی است. پایه این گذار را از حالا باید ریخت و به مرور مستحکم‌ش کرد. این کار فکر و جسارت می‌خواهد. گام اول شاید تاسیس نشریه دموکراتیکی باشد با اشتراک مساعی همه گروه‌های هم فکر.

شاید تشکیلاتی که با بگیرد واقعاً دموکراتیک باشد، اما روی رزمنده بودن آن شک و شبهه است. این بیشتر به جو فعلی، وجود لختی، وضعیت جنبش در داخل و نیز دیدگاه‌های رواج یافته بر می‌گردد. از این دیدگاهها، آزادی خواهی اروپایی در می‌آید. در این شکی نیست آیا این برای ایران کافی است؟ بنگریم به برخی توهمان و توهم پراکنی‌های "بیشتر نو". چه در هر صه بین المللی و چه در هر صه ملی.

و دیگر جریانهای چپ دموکراتیک و مجموعه‌های از سوالات اساسی همبسته به آن انگشت گذاشته شود: مساله اصلی هویت اجتماعی بود، اضمحلال نظری روی جامعه، طبقات و جریانهای آن و مشخص کردن این که ما کجا قرار داریم. مساله مهم دیگری که مورد بحث قرار گرفت مساله خط مشی سیاسی بود، با جمهوری اسلامی باید چه برخورد کرد، نقشه ما برای استقرار دموکراسی چیست، مشی ائتلافی ما چه باید باشد و مرزماز سمت راست کجاست.

در زمینه هر دو بحث به ابهامات رابطه عدالت و پیشرفت و دموکراسی اشاره شد. بحثی هم شد بر روی تشکیلات و موازین آن. به اعتقاد من اینجا جزو مسائل اساسی کنگره هستند اینها علاوه بر گذشته. هدف من دادن پیشنهاد موادی بود و نه صرفاً برای بحث و نه گفتن این که چه چیزی فلطاست و چه چیزی درست، تا جایی که درست و فلط برداشته شده، که نسبت به توهمان نوهشار داده شود. نتیجه‌ای هم که می‌خواستم بگیرم این بود که فقط با گفتن دموکراسی نمی‌توان تشکیلات ساخت و مبارزه کرد.

خلاصه و نتیجه

در این مختصر شده که بر روی مساله اصلی سازمان

گروه موسیقی شیدا در فستیوال بین المللی موسیقی محلی

گروه شیدا در بخش نظری این جشنواره شرکت می‌کند. علاوه بر ایران از کشورهای الجزایر، بولیوی، ژیر، سوئیس، فرانسه، آلمان غربی، لهستان، بلغارستان، گینه، سوئد، دانمارک، چکسلواکی، یونان، مجارستان، انگلستان و اتریش نیز گروه‌های موسیقی محلی در این فستیوال شرکت کرده‌اند.

گروه شیدا طی چهار شب برنامه‌ای را که برای فستیوال آماده کرده بود در تالار رودکی اجرا کرد و قرار است پس از بازگشت به ایران طی ده شب برنامه خود را در تالار وحدت تکرار کنند.

برادران کامکار، بیژن، ارژنگ، ارسلان، پشنگ، اردشیر، اردوان و نیز خواهران تشنگ کامکار، به مدیریت برادر دیگرشان هوشنگ کامکار، به عنوان گروه موسیقی شیدا برای شرکت در جشنواره بین المللی موسیقی محلی در اتریش به این کشور عزیمت کردند. این جشنواره از طرف سازمان یونسکو در شهر "یوخبرگ" اتریش برگزار می‌شود. سرپرستی گروه ۸ نفره شیدا را هوشنگ کامکار که کارشناس موسیقی نیز می‌باشد برعهده دارد.



هکس بالا و تن از خانواده کامکار به ترتیب از راست به چپ، ارژنگ، اردشیر، تشنگ، بیژن، ارسلان و پشنگ کامکار را هنگام اجرای برنامه در تالار رودکی (تالار وحدت) نشان می‌دهد.

توهمان نو

در سطح بین المللی توهمان وسیعی رواج یافته است. برخی از این توهمان سرچشمه در شرق دارند و با ذوق و شوق در قرب تکرار می‌شوند. همه اکنون از آزادی حرف می‌زنند، آزادی و صلح؟ سرمایه داری نه به عنوان یک صورتبندی اجتماعی-اقتصادی، بلکه به عنوان یک موقعیت انسانی جلوه می‌نماید. و راستی را که باید آن را این گونه دید و روی آن رپولوژی (انسان شناسی) مارکسیستی تجدیدنظر اساسی کرد: انسان لیاقت سوسیالیسم را نداشت حالا همه دارند جشن می‌گیرند. در تاریخ هیچ‌گاه آرمان و واقعیت این گونه در تضاد نبوده‌اند. اما جهان هنوز همانگونه نامدارانه است که پیش از این بود. بی عدالتی کم نشد. کم افزون شد.

صلح جهانی تضمین شده است، چرا که دیگر بورژوازی بین المللی منافع تضمین شده‌ای دارد. پیشتر تو قضیه را اما جور دیگری جلوه می‌دهد. تاریخ جهان تاریخ گرسنگی است و گرسنگی همچنان مساله اصلی جهان است. امپریالیسم همچنان یک واقعیت اشکار است و خلغهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین انسانهای درجه دو گیتی محسوب میشوند. از شوروی هم دیگر نمی‌توان انتظار دوستی داشت. هر چند که قبلاً هم چندان دوست دوست نبود. غالب اجزای تحلیلی‌های خوش بینانه‌ای که بوئیه کمونیست‌های سابق در مورد جهان ارائه می‌دهند، مشتکی یاوه بیش نیستند. شرق و غرب دارند به گوش ما می‌خوانند که به قول آلمانها: "Alles in ordnung" (همه چیز منظم است، اوضاع روبراه است). اما کدام Ordnung؟ جهان نامدارانه است، عجیب نامدارانه است.

در اروپای شرقی وقتی که تکتیک تشکیل میزگردد و انتخابات آزاد موفق از آب در آمد و تعدادی از دولت‌های باصطلاح سوسیالیستی را بر زمین زد، در مطبوعات مانیز تبلیاتی بد تقلید از این تکتیکها در شرایط ایران رخ نمود. میزگرد و انتخابات آزاد در ایران؟ یا امام زمان، چه حرفها که نمی‌شنویم! این گونه حرفها فقط توهم پراکنی اندریشه در برخوردی پرت نسبت به نحوه استقرار دموکراسی در ایران دارند.

دموکراسی در ایران با رنج و درد مستقر خواهد شد. موانع آزادی در ایران بی‌شمارند. طرفداران دیکتاتوری باصطلاح پرولتاریا، در معرفی دولت آرمانی خود نسبت به طرفداران سوسیالیست دموکراسی از منطق قوی تر برخورد دارند. آنها می‌گویند و بنای سیاسی در کشورهای جهان سوم دیکتاتوری است، چاره‌ای وجود ندارد: یا دیکتاتوری بورژوازی و یا دیکتاتوری ما. بیچاره جهان سوم! یا دیکتاتوری آنها، یا دیکتاتوری آنها. آزادی خواهان ما در مقابل، منطق چندی ندارند و فقط با بخت خیر پیش می‌آیند. آنها باید به سواتی بس جدي پاسخ گویند. یک نمونه: برای استقرار دموکراسی در ایران باید جنگید، ایده دموکراسی در جامعه ما اساساً روی تشر منو وسط متحد سوار می‌شود، آیا این تشر منو در جنگیدن را دارد؟ نمونه‌ای دیگر: هیچ توجه کرده‌اید که یکی از موانع استقرار دموکراسی در ایران همین توده گرسنه فلک زده پایتبی است؟ با اینها چه می‌شود کرد؟ هم اینهایی که اهل جنگند و موتور انقلابند.

انتشار یک فصل نامه در خارج از کشور برای کودکان و نوجوانان

نخستین شماره نشریه جوانه که ویژه کودکان و نوجوانان است در بهار امسال منتشر شد. شماره اول بهار ۱۳۶۹ این فصل نامه در ۳۶ صفحه با جلد رنگی چاپ شد. این فصل نامه در دانشگاه منتشر می‌شود و مجموعه‌های است از داستان‌ها و اشعار و نقاشی‌های کودکان و برای کودکان و مطالب آموزشی، فرهنگی و هنری، گردانندگان این نشریه هدف از انتشار این فصل نامه را چنین بیان کرده‌اند:

"جوانه تلاش می‌کند با چاپ نقاشی، شعر، داستان و... که به دستش می‌رسد، یاد سرزمین مادریمان را زنده نگاه دارد، تادر یادمان بماند که: تو نیز عضوی از خانواده بزرگی هستی که در آذربایجان، اصفهان، تهران، خراسان، سیستان و بلوچستان، فارس، کردستان، کرمان، گیلان، مازندران همدان و شهرهای کوچک و بزرگ ایران زندگی می‌کنند. خانواده‌های که تاریخ چندین هزار ساله دارد. جوانه با آرزوی رسیدن به این

هدف، می‌خواهد و شوق آن را دارد که در دستان شما برود، سبز شود و بشکند."

فصل نامه جوانه

ویژه کودکان و نوجوانان شماره اول بهار ۱۳۶۹

خندید بهار

- خندید بهار و شاخه‌ها خندیدند،
- احوال بنفشه را از او پرسیدند.
- با دست اشاره کرد او بر لب جری،
- صد شاخه گل بنفشه می‌رقصیدند.
- نمن انسان شبانه‌نوا

گرامی داشت هزاره فردوسی در آلمان فدرال



با حضور حدود ۲۵۰ نفر از ایرانیان مقیم دوسلدورف آلمان غربی و برخی شهرهای اطراف، گرامی داشت هزاره شاعر بزرگ ایران حکیم ابوالقاسم فردوسی در این شهر برگزار شد. این گرامی داشت، مجموعه‌ای بود از سخنرانی، نقالی، موسیقی، نمایش، رقص، شاهنامه خوانی و پرده خوانی.

برنامه با سخنرانی یک پژوهشگر آلمانی ادبیات ایران به نام دکتر بونه با عنوان "تحلیل داستان رستم و سهراب و مقایسه آن با ادبیات آلمان" آغاز گردید. نقالی نمایشی توسط سلیمان داوودی و سخنرانی به زبان آلمانی توسط دکتر کنهانی با عنوان "موسیقی در آینه شاهنامه" دو بخش دیگر برنامه بودند. در بحث موسیقی در آینه شاهنامه، سخنران با نمایش اسلایدهایی که از برخی کتب تاریخی و پژوهشی تهیه کرده بود، به توجمی که شاهنامه به موسیقی و موسیقیدانان داشته است اشاره کرد. اجرای موسیقی ایرانی بخش دیگر برنامه را تشکیل می‌داد. در این قسمت مجید درخشانی، سرپرست گروه نوا و نوازنده تار و سه‌تار با همراهی سنتور حسن سامانی و تنبک بهنام سامانی به اجرای گوشه‌هایی از دستگاه ماهر و قطعه‌ای به نام سرود مازندران که بر شعر فردوسی ساخته شده بود پرداخت.

"مازندان شهر ما یاد باد همیشه برویوش آباد باد". آخرین قسمت بخش نخست برنامه، خواندن متن نمایشی با عنوان "من شاهنامه را نمی‌شناسم" بود. این متن که توسط یکی از بازیگران تئاتر به نام عباس شادروان نوشته شده است، توسط ۳ دانش‌آموز ایرانی به نام‌های آزاد همایونی، مهرداد ماهوش محمدی و امید نوح‌دانی به گونه‌ای نمایشی خوانده

یک گزارش از مدرسه‌ای در تهران

یک کلمه حرف حساب

این مدرسه نه تنها چهل پنجاه نفره نیست، بلکه مدیر مدرسه حق ندارد بیشتر از ۲۲ نفر دانش‌آموز را در یک کلاس جا بدهد. نه تنها نور کلاسها کم نیست، بلکه بعضی وقتها مجبورند کرکره‌های همودی زیبا و خوشرنگ پنجره‌ها را طوری تنظیم کنند که نور شدید، چشم‌های بچه‌ها را خراب نکند. سیستم گرما و سرمای این کلاسها به صورت تهویه مطبوع و حرارت مرکزی است؛ یعنی در روزهای گرم اواخر بهار، هوای کلاس خنک می‌شود و در زمستانها گرمای بسیار مطبوع و دلپذیری نوباوگان و فنجه‌های نوشکفته این مدرسه را نوازش می‌دهد. شاگردان این مدرسه نه تنها از لحاظ میز و نیمکت در مضیقه نیستند، بلکه نیمکت‌هایشان تمیز و خوشرنگ است و در کلاس علاوه بر تخته سبز و سیاه و طوسی، کلی

اصلا بعضی‌ها انگار دوست دارند همیشه بزیند، جار و جنجال کنند و انتقاد پشت انتقاد که "کودکان دبستانی، نوباوگان ایرانی، فنجه‌های نوشکفته ما در بدترین شرایط آموزشی به سر می‌برند، کلاس‌هایشان تاریک و چهل پنجاه نفره است و معلم‌ها زیر فشارهای مختلف اجتماعی، زیر بار گرانی و بی‌سرو سامانی، همی و بداخلاقت و با روش‌های جدید آموزشی بیگانه‌اند" چه و چه و چه!

آخر بی‌انصاف‌ها: کمی هم چشم‌هاشان را باز کنید و لااقل یک نمونه مشخص را ببینید و بعد اظهار نظر کنید. شما هم آقا یون و خانجی خوانده نظریات مختلف: شما را به خدا اینقدر به این شایعات پروبال ندهید. من خودم از یکی از مدارس تهران خبر دقیق دارم. کلاس‌های

به بهانه اول ژوئن، روز جهانی کودک

آشنائی با تئاتر عروسکی



۳- تئاتر عروسکی نخی - بوسیله نخ‌هایی که به عروسک وصل است توسط بازیگر به حرکت در می‌آید. ۴- تئاتر سایه - در این تئاتر، عروسک‌های یک بعدی (سطح) بوسیله نوری که از پشت بر آن تابیده می‌شود بر روی پرده سفید مقابل جان می‌گیرند. همچنین اشکال دیگری از تئاتر عروسکی نظیر عروسک‌های انگشتی که روی انگشت قراز می‌گیرند و "مایت‌ها" که دست بازیگر از داخل سر عروسک آن را حرکت میدهد و یا انواع فیلم‌های عروسکی نیز جای خود را دارند. عروسک اصلا چیست؟ شاید بهترین تعریف این باشد "شیئی بی جان که بوسیله دست بازیگر برای یک هدف نمایشی به حرکت در می‌آید و جان می‌گیرد". در سابق هنرمند تئاتر عروسکی که در اکثر موارد به صورت دوره گرد کار میکرد، در همین حال بازیگر، کارگردان، عروسک‌ساز، نقاش، طراح، خیاطه تکنسین و... بود. ولی امروزه با گسترش این هنر، متخصصین هر بخش جای خود را یافته‌اند و کارها را هم تفکیک شده است. البته در بخش تئاتر عروسکی سنتی کشورهای مختلف هنوز هم همان شیوه‌های سابق به کار برده می‌شود.

تئاتر عروسکی یک هنر مردمی و قدیم است که بخاطر طبیعت زنده و تاریخ خود در زمان‌هایی قابلیت مدرنیزه شدن را پیدا کرده است. درباره اصل و ریشه تئاتر عروسکی نیز مانند بیشتر هنرها نظریه مشخصی وجود ندارد. عده‌ای از محققین ریشه تئاتر عروسکی را در بازی کودکان یافته‌اند و عده‌ای نیز آن را با مراسم آئینی - مذهبی اقوام قدیم مربوط می‌دانند. قطعاتی از مجسمه‌هایی که قسمت‌هایی از بدن آنها متحرک بوده از دوره‌های بسیار قدیم باقیمانده ولی اینکه آیا هرگز استفاده نمایشی از آنها شده است یا نه ثابت نشده است. به هر حال محققین همواره به این نتیجه رسیده‌اند که ریشه این هنر در شرق قرار دارد. تکنیک‌ها و ایده‌های متنوع تئاتر عروسکی در شرق به چشم میخورد که قرن‌ها و قرن‌ها ادامه یافته است. این تکنیک‌ها و ایده‌ها گاهی بصورت‌های خیلی ساده و ابتدائی در حد تجربه ساده یک بازیگر است با شکل و رنگ. گاهی نیز اشیای قدیمی است آمیخته با میثولوژی و انسانه و یادآور گذشته‌های دور. فنای تئاتر عروسکی شرق امروزه مورد توجه هنرمندان دنیا قرار گرفته و با آمیختگی آن با تکنیک پیشرفته تئاتر غرب پایه تئاتر عروسکی مدرن و امروزی گذاشته شده است.

تئاتر عروسکی را برحسب تکنیک حرکت عروسک‌ها به بخش‌های مختلف تقسیم می‌کنند: ۱- تئاتر عروسکی دستکشی - همانطور که از اسمش پیداست مثل یک دستکش روی دست قرار می‌گیرد و مستقیماً با حرکت دست به حرکت در می‌آید. ۲- تئاتر عروسکی باتونی - این عروسک‌ها بوسیله باتون (میله چوبی یا آهنی باریک) نگهداشته و حرکت داده میشود.

در نداشتن کوتاه پوشند. خود بنده با چشم‌های خودم شاهد بودم که چگونه معلمین این مدرسه را از دم در منزلشان با سرویس‌های تمیز و راحت به مدرسه می‌برند که اولاً به موقع سر کلاس حاضر شوند. در همین مدرسه مشخص، از کلاس دوم دبستان که کودکان الفبا را فرا گرفته‌اند، برایشان پلی‌کپی درس‌ها و مشق‌ها را با خط نستعلیق تهیه می‌کنند تا کودکان خوش‌خط بنویسند و هنر خوش‌نویسی در نسل آینده این دبستان تقویت شود.

تئاتر عروسکی و کودکان: تئاتر عروسکی برای کودکان خصوصیات ویژه خود را دارد. در تهیه نمایش عروسکی برای اطفال باید خصوصیات سنی آنها را در نظر گرفت. مثلاً کودکان زیر سن شش سال خواسته‌هایی غیر از کودکان بالای شش سال و مدرسه‌رو دارند. نمایش عروسکی بدون این عوامل برای کودکان خسته‌کننده خواهد بود. کودکان مشکل می‌توانند گفتارهای طولانی و پیچیده‌ای را تحمل کنند اما به راحتی چند تکه کافکا آبی بریده شده را به عنوان دریا می‌پذیرند همانطور که هر کودکی به سادگی یک تکه چوب را به جای اسب پذیرفته و ساعت‌ها با آن در سرزمین‌های دور سیاحت می‌کند. یک نمایش خوب عروسکی بهترین وسیله است برای شناساندن زیبایی‌ها و خوبی‌ها به کودک.

مدرسه را هم نه هصمت گذاشته‌اند، نه بنت الهدی و سمیه، نه شهید مطهری و نه روح‌اله و... نامش هم یک اسم سینمایی و روحیه دهنده است. خلاصه کنم، این مدرسه، دبستان طلوع است، در منطقه پاسداران تهران قرار دارد و شاگردانش هم کودکان و نوجوانی‌های سردهمداران حکومت هستند. خوب، باشند مگر اینها بچه‌های این مملکت نیستند؟ آخر چقدر آدم باید تنگ‌نظر باشد!

باور کنید در این مدرسه برای آنکه کودکان دچار هیچگونه ناراحتی نشوند، بعد از تصحیح تکالیف و ورقه‌های امتحانی‌شان، اصلاً به آنها نمره نمی‌دهند، چرا که معتقدند اگر شاگردی نمره ۱۸ بگیرد و هم‌کلاسی‌اش ۲۰، او ناراحت می‌شود. بنابراین بهتر می‌بیند که موضوع نمره اصلاً مطرح نباشد تا دل بچه‌ها نشکند. خوب، شما را به خدا خودتان قضاوت کنید. مگر اینکه من گفتم، جزو مدارس محسوب نمی‌شود که هیچوقت به حسابش نمی‌آورند؟ شاید باید بگویم که اسم این

فوتبال بازراسر

ایتالیا - ۹۰

گروه ۳: برزیل جوان؛ امید و هراس

جهان را فرا گرفت

گروه ۲: دفاع از قهرمانی در دشوارترین گروه

هفته آینده، چهاردهمین دوره مسابقات جام جهانی در ایتالیا آغاز خواهد شد. میلیون ها بیننده این مسابقات را پی می گیرند.
در ساعت ۱۸ روز جمعه ۸ ژوئن، آرژانتین، قهرمان دوره سیزدهم، در بازی افتتاحیه به مصاف کامرون می رود. توپ این بازی ها که در شهر رم به حرکت در می آید، تنها پس از یک ماه، در روز ۸ ژوئن در این شهر از حرکت باز می ایستد.
در زیر نگاهی مختصر می افکنیم بر جام های جهانی پیشین و چهاردهمین جام جهانی - ایتالیا ۱۹۹۰.



کاره کاستاره برزیلی

دو ستارداران فوتبال را به خود جلب نموده است، از این لحاظ جام چهاردهم نیز استثنا نخواهد بود.

گروه ۴: چه کسی اول و چه کسی دوم؟

تصاحب جام بسیار خوش بیننده، لیکن گذر این تیم به مرحله یک هشتم نهائی امری است قطعی. تیم یوگسلاوی که جمعی از بهترین بازیکنان اروپا را در اختیار دارد، مدعی دیگر صعود به مرحله یک هشتم نهائی است. توجه به نتایج درخشان تیم یوگسلاوی و ستارگان آن، احتمال این را که یوگسلاوی در روز ۸ ژوئن در شهر رم به میدان برود، تقویت می کند. اگر قرار باشد تیمی در ایتالیا شگفتی بیافریند، یوگسلاوی بیشترین شانس را دارد.

گروه ۵: انتظارات ۲۱ ژوئن؟

دو جام از جام جهانی، تیم همواره مطرح آمریکای لاتین، تیمی است که هیچگاه و هیچ تیمی فکر باج گیری از آن را به خود راه نمی دهد.
اسپانیا نیز با فوتبال مدرن، زیبا و دیدنی خود، هر رقیب قدری را هم به هراس می اندازد. این تیم که با اقتدار بازی های مقدماتی خود را پشت سر گذارده است، با امید به جام چهاردهم می نگرند.
بلژیک که به سبب حضور در مرحله نیمه نهائی جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک و کسب مقام چهارم این دوره از مسابقات، به عنوان سرگروه این گروه انتخاب شده است، حرفهای بسیار برای گفتن دارد.
کارشناسان معتقدند که احتمال حضور سه نماینده از این گروه در مرحله یک هشتم نهائی جام، بسیار قوی است.

گروه ۶: آیا هلند خواهد توانست؟



قان باستن و گویت، ستارگان هلندی

تیم مصر چهارمین تیم این گروه است. این تیم شگفتی خود را حتی قبل از ورود به جام، با پیروزی ۳ بر ۱ در آبردين اسکاتلند بر تیم ملی این کشور آفریده است.

چهار تیم این گروه عبارتند از برزیل، سوئد، اسکاتلند و کوستاریکا. کارشناسان برای کوستاریکا که اولین حضور خود در مرحله نهائی جام جهانی را می آزماید هیچ شانسی قائل نیستند. نتایج ضعیف و بویژه شکست اخیر اسکاتلند در آبردين در مقابل تیم ملی مصر نشانگر این است که مقابله با برزیل و سوئد برای این تیم نیز امری ساده نیست و سوئدی ها می توانند با خیالی آسوده تر به مصاف حریفان بروند. نمی توان پیش بینی کرد که برزیل در مقابله با دیگر بزرگان جام چگونه خواهد بود، ولی اگر شگفتی رخ ندهد، صعود برزیل به دور دوم قطعی به نظر می رسد.
برزیل، تنها تیمی که برای چهاردهمین بار در جام جهانی شرکت می جوید، در روز ۹ ژوئن در مقابل سوئد به میدان می آید. این تیم که هفتمین بازی های دیدنی خود از سال ۱۹۷۰ تاکنون از مقام قهرمانی بدور بوده است، همواره نظر متخصصان و

حضور دو تیم یوگسلاوی و آلمان فدرال که هر دو از مدعیان تصاحب جام قهرمانی این دوره اند، تماشای بازی های زیبایی را نوید می دهد. از سوی دیگر وجود این دو، کمتر امیدی برای کلمبیا و امارات متحده عربی برای صعود باقی می گذارد.
تیم همواره مطرح آلمان فدرال که با فوتبالی محکم و زیبا به مرحله نهائی جام جهانی ایتالیا گذاشته است، با دیده پر امید به دنبال می اندیشد. شاید مربی، بازیکنان و تماشاگران آلمانی در

بلژیک، اسپانیا، اوروگوئه و کره جنوبی در گروه ۵ جمع شده اند تا آن را به قهر قابل پیش بینی ترین گروه تبدیل کنند. حتی اگر بتوان کره جنوبی، نماینده اول آسیا را که تیمی است محکم، تعجبی و دارای تکنیکی قابل طرح، نادیده گرفت، انتخاب دو تیم از سه تیم بلژیک، اسپانیا و اوروگوئه امری است بسیار دشوار. و اگر کره جنوبی را نیز به این سه بیافزاییم، شاید مجبور شویم تا روز ۲۱ ژوئن، روز انتظار بازی های این گروه به انتظار بنشینیم تا تکلیف صعود کنندگان مسلم آن مشخص گردد.
کم امیدترین تیم این گروه کره جنوبی است که دیدارهای مقدماتی خود را با ۳ گل زده و یک گل خورده پشت سر گذارده است.
اوروگوئه داری عنوان قهرمانی

این گروه نیز از گروه های دشوار جام است. انگلستان تیم همواره مدعی اروپایی، در سر خیال تکرار پیروزی جام مشتمل را می پیرواند. ولی برای تحقق این رویا باید در مرحله اول خود را در مقابل هلند، ایرلند و مصر بیازماید. بعید نیست که حتی در صورت صعود سه تیم از این گروه به مرحله یک هشتم نهائی، تیم انگلستان در این مرحله قایب باشد. هلند صاحب عنوان قهرمانی اروپا در سال ۱۹۸۸، که از سه دوره شرکت خود در جام های جهانی، دو مقام نائب قهرمانی را یک می کشد، خود با ادعای تصاحب جام به ایتالیا آمده است.
این تیم با ستارگان خود، از تیم هایی است که نظر کارشناسان را به خود جلب کرده است.
ایرلند گرچه برای اولین بار به جام جهانی راه می یابد، ولی مسلمانزنگ تفریح دیگران نخواهد بود. این تیم در سال های اخیر بازی های شایسته ای از خود ارائه داده است.

می توان احتمال داد که آرژانتین و شوروی دو تیم برتر گروه باشند، ولی نه با قطعیت. رومانی و کامرون دو تیم دیگر این گروه را به هیچ وجه نمی توان حریفانی تمرینی به شمار آورد. کامرون که بدون شکست و تنها با یک گل خورده با جام جهانی ۱۹۸۲ اسپانیا وداع گفت، تیمی است خطرناک و رومانی تیمی است که برای هر رقیبی دشواری خواهد آفرید.
آرژانتین، سر گروه این دسته با نتایجی نه چندان درخشان در دیدارهای اخیر، در اولین گام دفاع از عنوان قهرمانی خود آسوده نخواهد بود به هر حال باید در انتظار بازی هایی دیدنی در این گروه بود.

مارادونا در اندیشه انجام مسئولیتی دشوار



تیم مجارستان با گذراندن ۱۰ گل از دروازه السالوادور (۱۹۸۲ - اسپانیا) بیشترین گل را در یک بازی جام جهانی به ثمر رسانده است.
دیدار برزیل - فرانسه (۱۹۸۶ - مکزیک) عنوان زیباترین بازی جام های جهانی را به خود اختصاص داده است. این دیدار که با نتیجه ۱ بر ۱ به پایان رسیده بود، در ضربات پنالتی با نتیجه ۴-۵ به سود فرانسه پایان پذیرفت.
داور دیدار آرژانتین - فرانسه (۱۹۳۰ - اوروگوئه)، ۶ دقیقه زودتر سوت پایان مسابقه را کشید. جالب اینکه وی پس از مواجه شدن با اعتراض بازیکنان و تماشاگران، رای به ادامه بازی داد!
تیم ملی فوتبال ایران در یازدهمین دوره جام جهانی - آرژانتین - ۱۹۷۸ - شرکت جست.
تیم ایتالیا که برای حضور در جام جهانی ۱۹۵۰ برزیل آماده می شده، در نتیجه سقوط هوپینما، ۱۷ بازیکن و نیز مربی خود را از دست داد.
پت جیننگز، دروازه بان ایرلند شمالی ۱۱۹ بازی ملی، رکورددار بازی های ملی شد (۱۹۸۶ - مکزیک). در صورتی که پیتر شیلتون، دروازه بان تیم ملی انگلستان در جام چهاردهم، در تمامی مسابقات مقدماتی این تیم در درون دروازه بایستد، موفق به شکستن رکورد جیننگز خواهد گردید.
تیم آلمان فدرال که در فینال جام ۱۹۵۴ سوئیس با پیروزی ۲-۳ تیم ملی مجارستان را شکست داده، به مقام قهرمانی رسید، در بازی های دور اول همین جام در یک بازی پر گل، با نتیجه ۳-۸ مغلوب این تیم گردیده بود.
تنها دیدار تیم های ملی دو آلمان در چارچوب یک جام جهانی در هفتمین دوره این مسابقات برگزار گردید. این دیدار با نتیجه ۰-۱ به سود آلمان دموکراتیک خاتمه یافت. جام قهرمانی این دوره به آلمان فدرال تعلق گرفت.

گروه های شش گانه

گروه ۱: ایتالیایی ها در اندیشه تصاحب چهارمین جام

کارشناسان به این گروه به عنوان آسان ترین گروه می نگرند. اولین مسابقه این گروه در روز ۹ ژوئن میان ایتالیا و اتریش برگزار می گردد. ایتالیا با توجه به سطح بالای فوتبال خود و نیز به دلیل میزبانی مسابقات به عنوان سرگروه گروه یک برگزیده شده است. چنین به نظر می رسد که این تیم که علاوه بر کسب مقام قهرمانی در سه دوره از جام های جهانی، نیابت قهرمانی یک دوره و مقام چهارم دوره ای دیگر را نیز یدک ناچیز است.

نکاتی از جام های جهانی

- برزیل تنها تیمی است که در تمامی دوره های جام جهانی شرکت کرده است.
- تیم های برزیل و ایتالیا، هر یک با سه بار تصاحب جام جهانی، پیروزترین تیم های این مسابقات بوده اند. پس از این دو تیم، اوروگوئه، آلمان فدرال و آرژانتین با به دست آوردن دو جام جهانی و انگلستان با یک جام قرار دارند.
- با برگزاری چهاردهمین دوره جام جهانی، ایتالیا، پس از مکزیک، دومین کشوری است که برای دومین بار میزبانی این مسابقات را عهده دار می شود.
- رکورد گل های زده شده توسط یک بازیکن در یک دوره جام، متعلق به ژوست فونتن فرانسوی است که در ششمین دوره بازی ۱۳ گل به حساب خود نوشت.
- پر گل ترین فینال ۱۳ دوره جام جهانی، در سال ۱۹۵۸ (سوئد) مابین برزیل و سوئد انجام گرفت. این مسابقه با نتیجه ۲-۵ به سود برزیل به پایان رسید.
- قوی ترین خط حمله در یک جام جهانی متعلق به مجارستان است. این تیم در پنجمین دوره این مسابقات (۱۹۵۴ - سوئیس) ۲۷ گل به ثمر رسانید. تیم کره جنوبی در همین دوره از مسابقات با خوردن ۱۶ گل عنوان بدترین خط دفاع در یک دوره از جام های جهانی را از آن خود ساخته است.
- جام جهانی ۱۹۸۲ اسپانیا با ۱۴۶ گل، پر گل ترین جام های جهانی است.
- پر گل ترین بازی جام های جهانی فوتبال، مسابقه اتریش - سوئیس (۱۹۵۴ - سوئیس) است. این بازی با نتیجه ۵-۷ به سود اتریش پایان یافت.

جدول بازی های جام چهاردهم - ایتالیا ۹۰

| گروه ۱ | گروه ۲ | گروه ۳ | گروه ۴ | گروه ۵ | گروه ۶ |
|--|---|--|---|---|---|
| ایتالیا اتریش چکسلواکی آمریکا | آرژانتین شوروی رومانی کامرون | برزیل سوئد اسکاتلند کوستاریکا | آلمان فدرال یوگسلاوی کلمبیا امارات متحده عربی | بلژیک اوروگوئه اسپانیا کره جنوبی | انگلستان هلند ایرلند مصر |
| ایتالیا - اتریش ۹ ژوئن چکسلواکی - آمریکا ۱۰ ژوئن ایتالیا - آمریکا ۱۴ ژوئن اتریش - چکسلواکی ۱۵ ژوئن ایتالیا - چکسلواکی ۱۹ ژوئن اتریش - آمریکا ۱۹ ژوئن | آرژانتین - کامرون ۸ ژوئن شوروی - رومانی ۹ ژوئن آرژانتین - شوروی ۱۳ ژوئن رومانی - کامرون ۱۴ ژوئن آرژانتین - رومانی ۱۸ ژوئن شوروی - کامرون ۱۸ ژوئن | برزیل - سوئد ۱۰ ژوئن اسکاتلند - کوستاریکا ۱۱ ژوئن برزیل - کوستاریکا ۱۶ ژوئن سوئد - اسکاتلند ۱۶ ژوئن برزیل - اسکاتلند ۲۰ ژوئن سوئد - کوستاریکا ۲۰ ژوئن | کلمبیا - امارات ۹ ژوئن آلمان - یوگسلاوی ۱۰ ژوئن بلژیک - اوروگوئه ۱۴ ژوئن آلمان فدرال - امارات ۱۵ ژوئن آلمان فدرال - کلمبیا ۱۹ ژوئن یوگسلاوی - امارات ۱۹ ژوئن | بلژیک - کره جنوبی ۱۲ ژوئن اوروگوئه - اسپانیا ۱۳ ژوئن بلژیک - اوروگوئه ۱۷ ژوئن اسپانیا - کره جنوبی ۱۷ ژوئن بلژیک - اسپانیا ۲۱ ژوئن اوروگوئه - کره جنوبی ۲۱ ژوئن | انگلستان - ایرلند ۱۱ ژوئن هلند - مصر ۱۲ ژوئن انگلستان - هلند ۱۶ ژوئن ایرلند - مصر ۱۷ ژوئن انگلستان - مصر ۲۱ ژوئن هلند - ایرلند ۲۱ ژوئن |
| (۳۷) تیم اول گروه ۲ - تیم سوم گروه ۱ (۳۸) تیم دوم گروه ۱ - تیم دوم گروه ۲ (۳۹) تیم اول گروه ۳ - تیم سوم گروه ۱ (۴۰) تیم اول گروه ۴ - تیم سوم گروه ۲ (۴۱) تیم دوم گروه ۶ - تیم دوم گروه ۳ (۴۲) تیم اول گروه ۱ - تیم سوم گروه ۲ (۴۳) تیم اول گروه ۵ - تیم دوم گروه ۴ (۴۴) تیم اول گروه ۶ - تیم دوم گروه ۵ | | | | | |
| | | | (۴۵) برنده مسابقه ۳۹ - برنده مسابقه ۴۳ (۴۶) برنده مسابقه ۴۱ - برنده مسابقه ۴۲ (۴۷) برنده مسابقه ۳۸ - برنده مسابقه ۴۰ (۴۸) برنده مسابقه ۳۷ - برنده مسابقه ۴۴ | | |
| | | | (۴۹) برنده مسابقه ۴۵ - برنده مسابقه ۴۶ (۵۰) برنده مسابقه ۴۷ - برنده مسابقه ۴۸ | | |
| | | | بازنده مسابقه ۴۹ - بازنده مسابقه ۵۰ | | |
| | | | برنده مسابقه ۴۹ - برنده مسابقه ۵۰ | | |
| | | | | | ۳۰ ژوئن (فلورانس) ۳۰ ژوئن (رم) اول ژوئن (میلان) اول ژوئن (ناپل) |
| | | | | | ۳ ژوئن (ناپل) ۴ ژوئن (تورین) |
| | | | | | رده بندی |
| | | | | | فینال |

دومین دیدار گاباچف و بوش

موضوعات مورد بحث:

خلع سلاح، وحدت آلمان و صلح در افغانستان



در هفته گذشته، میخائیل گاباچف رهبر شوروی برای دومین دیدار با جرج بوش پس از انتخاب بوش به ریاست جمهوری ایالات متحده، وارد واشنگتن شد. این ملاقات رهبران دو کشور، نخستین اجلاس سران پس از جنگ سرد نامیده شد.

در آخرین هفته‌های پیش از برگزاری اجلاس واشنگتن، نمایندگان دو طرف تحت سرپرستی وزرای خارجه، قرارداد کاهش سلاح‌های استراتژیک را آماده امضاء کردند. طبق این قرارداد که به "استارت ۲" موسوم شده است، دو طرف ۳۰ درصد از زرادخانه تسلیحات استراتژیک خود را کاهش خواهند داد. از دیگر توافق‌های احتمالی در زمینه خلع سلاح، منع تولید و کاهش زرادخانه سلاح‌های شیمیایی دو طرف است.

وحدت آلمان نیز در دستور مذاکرات قرار دارد. بیشترین اختلافات آمریکا و شوروی در این عرصه است. ایالات متحده خواهان عضویت آلمان واحد در پیمان ناتو است و این امر مورد مخالفت شوروی است. میخائیل گاباچف که پیش از سفر به آمریکا دیدار کوتاهی از کانادا داشت، در این کشور بار دیگر بر موضع مسکو در مخالفت با عضویت آلمان در ناتو تأکید کرد و گفت قرب می‌گوشد در این مورد، موضع خود را تحمیل کند. جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا اظهار داشت کشورش از خواست خود مبنی بر حضور آلمان متحد در ناتو عقب نخواهد نشست، اما خواهد کوشید از اجلاس سران برای توضیح پیرامون این موضع و اتناع طرف

شوروی استفاده کند. قرارداد تجاری آمریکا و شوروی که آماده امضاست، تنها در صورت توافق طرفین در مورد حادثترین مسائل سیاسی جاری به اجرا گذاشته می‌شود. اجرای این قرارداد به معنای استفاده شوروی از معافیت‌های گمرکی در مناسبات تجاری با ایالات متحده خواهد بود. تدوین متن این قرارداد طبق توافق قبلی روسای جمهور دو کشور در حالت صورت گرفته است، اما دولت آمریکا بدنبال ماجرایی لیتوانی در مورد امضای آن ایجاد شک و تردید کرد.

در مورد افغانستان، چشم‌انداز هائی برای توافق میان شوروی و آمریکا وجود دارد. در آستانه اجلاس سران، دولت افغانستان با برگماردن یک شخصیت غیرحزبی به نخست‌وزیری، تشکیل کابینه‌ای که اکثریت وزرای آن عضو حزب دموکراتیک خلق نیستند، تغییر قانون اساسی و پیشنهاد جدید آتش‌بس از سوی نجیب‌اله شرایط مساعدی برای توافق فراهم کرد. از سوی دیگر ظاهرشاه، حاکم اسبق افغانستان، اخیراً طی بیانیهای آمادگی خود را برای بازگشت به صحنه سیاسی این کشور اعلام کرده است.

برنامه دیدار میخائیل گاباچف از ایالات متحده، شامل انجام مذاکرات با بوش در واشنگتن و کمپ دیوید و نیز سفر به شهرهای مینیاپولیس و سانفرانسیسکو است. از سال ۱۹۵۵ تا کنون، با محاسبه دیدار اخیر، رهبران آمریکا و شوروی ۱۹ بار بایکدیگر ملاقات کرده‌اند.

پیشنهاد جدید کابل برای صلح

اقوام و قبایل افغانستان، قانون اساسی این کشور را در جهت برقراری پولوالیسم سیاسی و اقتصادی تغییر داد و از دولت کابل و گروه‌های مخالف دعوت کرد با یکدیگر مذاکره کنند. پیشنهاد تغییر قانون اساسی از سوی دولت نجیب‌اله ارائه شده بود. در بیانیه لویه جرگه آمده است جنگ داخلی ۱۲ ساله افغانستان تنها از راه مذاکرات پایان می‌پذیرد و راه حل نظامی چشم‌انداز موفقیّت ندارد. گردهمایی کابل پیشنهاد کرد یک هیات میانجی منتخب این گردهمایی اقدام به مذاکره با همه گروه‌های اپوزیسیون و نیز دولت کابل نماید. بیانیه لویه جرگه نسبت به تشکیل "جکومت" های مستقر در خارج از افغانستان توسط مخالفان بعنوان مانع روند گفتگوها هشدار داد.

نمایندگان گروه‌های مخالف دولت افغانستان اعلام کرده‌اند که تصمیمات لویه جرگه رابه علت عدم انتخاب اعضای آن از سوی مردم نمی‌پذیرند. نیروهای ضدولتی طی دو هفته گذشته حملات خود علیه کابل را شدت بخشیدند. دوشنبه هفته گذشته شلیک موشک به کابل به مرگ ۶ تن و مجروح شدن ۲۰ نفر انجامید. شورشیان تنها طی یک حمله، ۱۰۰ موشک به سوی کابل پرتاب کردند.

در آستانه ملاقات سران آمریکا و شوروی در واشنگتن، نجیب‌اله رئیس‌جمهور افغانستان پیشنهاد جدیدی برای برقراری صلح در کشورش ارائه کرد. وی گفت که به ایالات متحده و اتحاد شوروی پیشنهاد کرده است در افغانستان یک دوره تشنج‌زدائی آغاز شود. طبق این پیشنهاد، نیروهای دولتی و شورشیان، یکی پس از دیگری از کاربرد سلاح‌های عمین خودداری می‌کنند. به گفته نجیب‌اله، این تشنج‌زدائی گام به گام می‌تواند به آتش‌بس و فراهم شدن شرایط مذاکرات و انتخابات عمومی تحت نظارت سازمان ملل بیانجامد.

رئیس‌جمهور افغانستان گفت که خواهان خارج کردن کنترل مناطق نفوذ شورشیان از دست گروه‌های مخالف در دوره گذار نیست. وی از برگزاری رفراندوم در مناطق ضدانقلاب و اردوگاه‌های آوارگان افغانی در خارج از این کشور برای برقراری آتش‌بس و انجام اقدامات جهت پایان دادن به جنگ داخلی، جانبداری کرد.

نجیب‌اله بار دیگر فراخوان برای تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی در باره افغانستان را تکرار نمود و از رهبران گروه‌های مخالف دعوت کرد بطور آشکار یا پنهان با دولت تماس برقرار کنند. در روز سه‌شنبه هفته گذشته، لویه جرگه، گردهمایی نمایندگان

اخبار کوتاه جهان

دولت نیکاراگوئه و شورشیان موسوم به کنترا در مورد خلع سلاح افراد شورشی و بازگشت آن‌ها به زندگی هادی به توافق رسیدند. طبق این توافق، افراد کنترا و خانواده‌هایشان در مناطق معینی اسکان داده خواهند شد، پلیس خاص خود را خواهند داشت و به انجمن‌های شهر نماینده خواهند فرستاد. در مقابل، رهبران کنترا قول داده‌اند تا دهم ژوئن باندهای خود را منحل، و بدین منظور تا آن هنگام روزانه ۵۰۰ شورشی را خلع سلاح می‌شود، همراه بود.

طی یک درگیری میان نیروهای ارتش شوروی و افراطیون ارمنی در ایروان، پایتخت ارمنستان، حداقل ۲۳ تن کشته شدند. زدوخوردها در نزدیکی ایستگاه راه‌آهن ایروان آغاز شد و هر دو طرف در آن از اسلحه گرم استفاده کردند. در انتخابات ریاست جمهوری کلمبیا، سزار گاویریا کاندیدی حزب حاکم به پیروزی رسید. این انتخابات با حملات گسترده تروریستی که اکثراً به باندهای قاچاق موادمخدر نسبت داده می‌شود، همراه بود.

پیروزی اپوزیسیون در انتخابات برمه

شورای نظامی حاکم بر برمه، دوشنبه هفته گذشته پیروزی اپوزیسیون در نخستین انتخابات پارلمانی این کشور پس از ۳۰ سال را که در آن چندین حزب شرکت داشتند تأیید کرد. در رانگون پایتخت برمه، سخنگویان حکومت نظامی اعلام کردند طبق نتایج بدست آمده اولیه، نامزدهای "اتحاد ملی برای دموکراسی" به رهبری آئوونگ یسان سوکی که مخالف دولت است، و نیز گروه‌های کوچک‌تر اپوزیسیون، در انتخابات ۲۷ ماه مه حداقل به دوسوم آرا دست یافتند و "حزب وحدت ملی" را که طرفدار رژیم حاکم است، به وضوح شکست داده‌اند. سخنگوی "شورای نظامی برای احیای قانون و نظم" که در سپتامبر ۱۹۸۸ بدنبال سرکوب خونین جنبش دموکراسی برمه قدرت را به دست گرفت، اظهار داشت نظامیان به محض تصویب قانون اساسی جدید توسط پارلمان، کناره‌گیری خواهند کرد. وی افزود: "ما اگر قصد کناره‌گیری از قدرت را نداشتیم، این انتخابات را برگزار نمی‌کردیم." برخی دیپلمات‌های غربی می‌گویند تدوین قانون اساسی جدید می‌تواند تا دو سال به طول انجامد.

شکست رژیم حاکم در انتخابات در حالی به وقوع پیوست که نظامیان علیرغم وعده‌های خود در مورد برگزاری انتخابات آزاد، تضيقات شدیدی علیه اپوزیسیون به اجرا گذاشتند. در آستانه انتخابات، بسیاری از رهبران محبوب اپوزیسیون دستگیر شدند و نتوانستند خود را

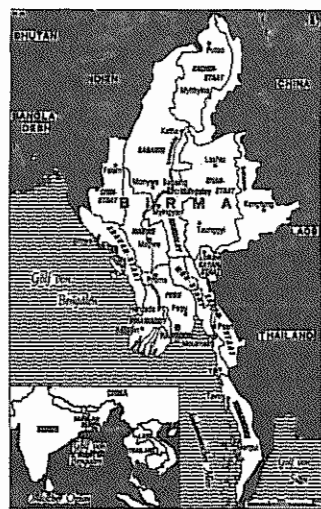
شیلی: دموکراسی در آغاز راه

در صحنه ۹

ناآرامی‌های قومی در پاکستان

پاکستان که مدتی است به ناآرامی در کشمیر هند دامن می‌زند، خود طی هفته‌های اخیر دچار برخوردهای خونین میان وابستگان به گروه‌های مختلف قومی شده است. ایالت سند پاکستان از روز پانزدهم ماه مه شاهد ناآرامی‌های شدید با انگیزه‌های سیاسی و قومی بوده است که در جریان آن ۱۳۵ نفر کشته و صدها نفر مجروح شده‌اند. در روزهای سه‌شنبه و دوشنبه ۲۷ و ۲۸ ماه مه، در جریان درگیری میان نیروهای امنیتی و شرکت‌کنندگان در تظاهرات در چند شهر سند، ایالت جنوبی پاکستان، از یک سو طرفداران بی‌تظیر بوتو نخست‌وزیر این کشور، و از سوی دیگر، اعضای جنبش تندروی "مهاجرین" اند. مهاجرین در پاکستان به مردمی اطلاق می‌شود که هنگام تقسیم شبه‌قاره هند به دو کشور هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷، به علت پیروی از مذهب اسلام از هند نقلی به پاکستان فعلی کوچ کردند. این گروه قومی خواستار به رسمیت شناخته شدن به عنوان پنجمین بخش رسمی جمعیت پاکستان است. در حال حاضر چهار گروه قومی در پاکستان رسمیت دارند که عبارتند از پتان‌ها، پنجابی‌ها، بلوچ‌ها و سندھی‌ها. بی‌تظیر بوتو از خانواده‌ای است که در شمار اهالی بومی ایالت سند محسوب می‌شود.

پاکستان که مدتی است به ناآرامی در کشمیر هند دامن می‌زند، خود طی هفته‌های اخیر دچار برخوردهای خونین میان وابستگان به گروه‌های مختلف قومی شده است. ایالت سند پاکستان از روز پانزدهم ماه مه شاهد ناآرامی‌های شدید با انگیزه‌های سیاسی و قومی بوده است که در جریان آن ۱۳۵ نفر کشته و صدها نفر مجروح شده‌اند. در روزهای سه‌شنبه و دوشنبه ۲۷ و ۲۸ ماه مه، در جریان درگیری میان نیروهای امنیتی و شرکت‌کنندگان در تظاهرات در چند شهر سند، ایالت جنوبی پاکستان، از یک سو طرفداران بی‌تظیر بوتو نخست‌وزیر این کشور، و از سوی دیگر، اعضای جنبش تندروی "مهاجرین" اند. مهاجرین در پاکستان به مردمی اطلاق می‌شود که هنگام تقسیم شبه‌قاره هند به دو کشور هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷، به علت پیروی از مذهب اسلام از هند نقلی به پاکستان فعلی کوچ کردند. این گروه قومی خواستار به رسمیت شناخته شدن به عنوان پنجمین بخش رسمی جمعیت پاکستان است. در حال حاضر چهار گروه قومی در پاکستان رسمیت دارند که عبارتند از پتان‌ها، پنجابی‌ها، بلوچ‌ها و سندھی‌ها. بی‌تظیر بوتو از خانواده‌ای است که در شمار اهالی بومی ایالت سند محسوب می‌شود.



برای اشتراك نريات "كار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمربستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

| | | | |
|-------------|---------|---------|-----------|
| بهای اشتراك | شش ماهه | اروپا | دیگر نقاط |
| نشریه "کار" | یک ساله | ۱۱ مارك | ۱۳ مارك |
| | | ۲۱ | ۲۴ |

| | | | |
|----------------|---------|---------|-----------|
| بهای اشتراك | سه ماهه | اروپا | دیگر نقاط |
| نشریه "اکثریت" | شش ماهه | ۲۷ مارك | ۳۰ مارك |
| | یک ساله | ۵۲ | ۵۸ |
| | | ۱۰۲ | ۱۱۵ |

آدرس کانل (لطفاً خوانا بنویسید)

اکثریت
بشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

AKSARIYAT
NO. 307
MONDAY 4 Jun. 1990

آدرس: Ruzbeh
Postfach 1810
5100 Aachen
W. Germany

حساب بانکی: M.ABD
NR- 35263011
37050198
Stadtparkasse Köln
W. Germany